



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

راهنما والگوی برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه (بوم)

مؤلف:

دکتر عظیم محبی

همکار:

دکتر سهیلا فراهانی

نظارت و راهنمایی:

دکتر حسن ملکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۱	پیش‌گفتار
۲	مقدمه
۳	بخش اول: تأملی بر مفهوم برنامه درسی
۵	-تعریف برنامه درسی
۹	-موقعیت
۹	-هویت
۱۰	-شایستگی
۱۳	بخش دوم: رویکرد برنامه درسی
۱۵	-موقعیت محوری
۱۶	-یکپارچه‌نگری
۱۶	-فطرت‌گرایی توحیدی
۱۹	بخش سوم: برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه (بوم)
۲۳	-سطوح آزادسازی
۲۵	- راهکارهای سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی پشتیبان برنامه ویژه مدرسه
۲۷	بخش چهارم: گام‌های اجرایی برنامه ویژه مدرسه در مدرسه
۲۹	الف-فهم مشترک ارکان مدرسه / نهاد های محلی
۳۴	ب-نیازسنجی

۳۶	-الگوی تعیین نیاز در رویکرد فطرت گرایی توحیدی
۴۰	-رابطه نیاز سنجی با حیات طیبه
۴۵	-فرایند نیاز سنجی در برنامه ویژه مدرسه
۴۹	ج- تدوین چهارچوب واحد یادگیری
۴۹	-منطق واحد یادگیری
۵۱	-اهداف واحد یادگیری
۵۴	-انتخاب یا تدوین محتوی
۵۴	-اصول انتخاب محتوی
۶۰	-آموزش (فرصت های یادگیری)
۶۳	-سنجش و ارزشیابی
۶۶	د-نظارت و ارزشیابی
۶۸	منابع

پیشگفتار

برنامه درسی به عنوان طرح یادگیری یا در معنای عمیق تر به عنوان طرح تربیت یکی از مهم ترین موضوعات وزارت آموزش و پرورش است. اصول، رویکرد و... حاکم بر برنامه درسی و تربیتی در سند برنامه درسی ملی تبیین شده است، تا بر اساس این آنها و با تأکید بر راهنمای حوزه های تربیت و یادگیری، محتوای مناسب تدوین و در بستر مدرسه و با تأکید بر نقش آفرینی معلمان و مربیان زمینه تکوین و تعالی هویت همه جانبه دانش آموزان در شش ساحت تعلیم و تربیت فراهم گردد. نظام برنامه ریزی درسی در ایران در چهل سال گذشته به صورت متمرکز اداره شده است، اما بر اساس راهکارهای سند و برنامه درسی ملی زمینه کاهش تمرکز با رعایت کامل محکقات ارزشی و فرهنگی فراهم شده است. لذا ستاد آموزش و پرورش رسالتی مهم در پیاده سازی سیاست کاهش تمرکز برعهده دارد تا با دادن اختیار بیشتر به مدارس، مناطق و استانها زمینه مشارکت آنها را در طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی و تربیتی فراهم آورد. در این رهگذر در سال ۹۷ شیوه نامه ای با عنوان برنامه ویژه مدرسه تدوین و جهت اجرا به مدارس دوره دوم ابتدایی و متوسطه اول ارسال شده است، تا مدارس بتوانند با بهره گیری از ظرفیت معلمان، مربیان، اولیا و نهاد های محلی، فرایند برنامه ریزی درسی را بر اساس چهارچوب ابلاغی پیاده کنند اما برنامه ریزی های لازم در جهت توانمند سازی معلمان و مدیران مدارس در دو سال گذشته انجام نشده است، لذا در سال جاری در قالب بسته تحولی، کیفیت بخشی به اجرای برنامه ویژه مدرسه، زمینه آموزش، نظارت و ارزشیابی این برنامه فراهم شده است. این شیوه نامه و برنامه های انجام شده بر اساس بسته های تحولی آن، به عنوان فاز اول اجرایی شدن راهکار ۵-۵ سند تحول و بند ۲-۱۳ برنامه درسی ملی می باشد، لذا سازمان پژوهش در صدد است تا بر اساس طرح تحول کلان برنامه درسی ضمن تولید بسته های تربیت و یادگیری بتواند با اصلاح جدول دروس و با تدوین شیوه نامه های تکمیلی با همکاری همه بخشهای مرتبط ستادی زمینه اجرای این برنامه را در همه دوره های تحصیلی فراهم آورد.

دکتر حسن ملکی

معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

و رئیس شورای راهبری برنامه ویژه مدرسه

مقدمه

برنامه ویژه مدرسه یا به عبارت دقیق تر برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه یکی از جلوه های کاهش تمرکز در نظام برنامه ریزی درسی براساس راهکارهای سند تحول از جمله راهکار ۵-۵ و بند ۲-۱۳ برنامه درسی ملی تلقی می شود. به منظور عملیاتی شدن این چرخش تحولی، شیوه نامه ای در سال ۹۷ برای مدارس متوسطه اول و دوره دوم ابتدایی از سوی سازمان پژوهش تدوین و با امضای وزیر وقت ارسال شده است. واکنش مدیران و معلمان مدارس از واگذاری اختیارات جهت تدوین بخشی از برنامه های درسی و تربیتی مثبت بوده است. اما در دو سال گذشته به جز آموزش ۱۰۰ مدرسه کشوری و برگزاری جلسات توجیهی برای استانها و مدارس از سوی معاونت های آموزشی و سازمان پژوهش اقدام دیگری انجام نشده است.

اما در سال ۹۹ با انتخاب این برنامه به عنوان یکی از بسته های تحولی فرصت مناسبی ایجاد شد تا زمینه اجرایی مناسب تری فراهم گردد. لذا ضمن تدوین طرح اجرایی این بسته تحولی، با عنوان "کیفیت بخشی به اجرای برنامه ویژه مدرسه" از سوی سازمان پژوهش و با تشکیل شورای راهبری، با عضویت معاونین محترم وزیر (و با حضور نمایندگان آنها در جلسات) در تاریخ ۹۹/۴/۹ دستورالعمل اجرایی این بسته تحولی به استانها ابلاغ گردید.

دکتر عظیم محبی

مشاور رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

و دبیر برنامه ویژه مدرسه

بخش اول

تأمین بر مفهوم برنامه درسی



تعریف برنامه درسی

برنامه درسی به صورت های مختلف تعریف شده است. در اغلب تعاریف موجود روی یک بعد بیش از ابعاد دیگر تأکید شده است، در حالی که تعریف باید جامع و مانع باشد و همه عوامل و جنبه های گوناگون برنامه درسی را در بر گیرد. چنین تعریفی باید این ویژگی ها را داشته باشد:

۱- تعریف باید عناصر برنامه درسی یعنی هدف، محتوا و روش را در بر گیرد. اگر صرفاً به روش توجه شود برنامه درسی، دانش آموز را محور توجه قرار می دهد و از عناصر دیگر غافل می ماند. اگر به طور افراطی بر محتوا یعنی آنچه که برنامه ریزان از قبل طراحی و تهیه می کنند تأکید گردد به تقویت فرایند های ذهنی توجه لازم معطوف نمی گردد و در نتیجه دانش آموز رشد نمی کند. اگر "هدف" به عنوان یک عنصر اساسی برنامه درسی مورد کم توجهی قرار گیرد، تصمیم گیریها و فعالیت های برنامه ریزی جهت مشخصی نخواهند داشت و ارتباط و انسجام لازم بین مراحل مختلف به وجود نخواهد آمد.

۲- تعریف باید فراگیرندگان را در همه سنین و یادگیری را در همه موقعیت ها در بر گیرد. اگر برنامه درسی برآماده سازی نسل جوان تأکید بیشتری کند، از تعلیم و تربیت سنین دیگر غفلت خواهد شد.

نمونه زیر از این دسته تعاریف به شمار می روند:

الف) برنامه درسی شامل کلیه تجربیات، مطالعات، بحثها، فعالیت های گروهی و فردی و سایر اعمالی است که شاگرد تحت سرپرستی و راهنمایی مدرسه انجام می دهد. (شریعتمداری، علی، ۱۳۶۵)

ب) برنامه درسی شامل کلیه فعالیت های یادگیری فراگیرنده، انواع وسایل آموزشی، پیشنهادهایی در مورد راهبردهای یادگیری و شرایط اجرایی برنامه است. (لوی، الف، ترجمه مشایخ، فریده، ۱۳۶۷)

۳- تعریف باید بعد پنهانی برنامه درسی را در برگیرد. آنچه در قالب هدف های معین به دانش آموزان ارائه می شود و قصد آن است فراگیران در پایان یک دوره آموزش معین به آنها نائل گردند "برنامه درسی رسمی" است، ولی فراگیرندگان فراتر از محتوای رسمی، تجربیاتی به دست می آورند و نگرش هایی کسب می کنند که قبلاً به وسیله برنامه ریزان درسی و معلمان پیش بینی نشده است. آنچه را که دانش آموز از فرهنگ خانواده، وسایل ارتباط جمعی، ارتباط با دوستان و همسالان و رفتار معلم و غیره کسب می کند به برنامه درسی غیر رسمی مربوط می شود. چون این بخش از برنامه در کنترل برنامه ریز و فراگیرنده نیست گاهی "برنامه درسی پنهان" نیز به آن می گویند. تعریف برنامه درسی باید این بعد را نیز دربر گیرد.

۴- تعریف برنامه درسی باید همه جنبه های یادگیری یعنی مهارت ها، دانش ها و نگرش ها را در بر گیرد. با توجه به موارد مذکور برنامه درسی را به این صورت تعریف می کنیم:

"برنامه درسی به محتوای رسمی و غیر رسمی، روش و آموزش های آشکار و پنهان اطلاق می گردد که به وسیله آنها شاگردان تحت هدایت مدرسه، دانش لازم را به دست می آورند. مهارت ها را کسب می کنند و گرایش و ارزش ها را در خود تغییر میدهند". (ملکی، حسن، ۱۳۷۹)

معنای نهفته در برداشت های مختلف از برنامه درسی، عبارت است از نوعی تحول و پیشرفت مفهومی. در عین حال شکستن قالب های سنتی از برنامه درسی به عنوان محتوا، موضوع درسی، هدف، طرح و مانند آن و گرویدن به تفکرات نوین است که مبین تأکید بر فهم و درک پیچیدگی ها و ظرافت های موجود در این رشته است.

-ملکی (۱۳۹۹) در کتاب نظریه فطرت گرایی توحیدی در برنامه درسی بیان می نماید:

در خصوص برنامه درسی تعاریف متعدد و گاهی متضاد ارائه شده است. اما بر اساس نظریه فطرت گرایی می توان برنامه درسی را به عنوان طرح تربیت تعریف کرد. به عبارت کاملتر، برنامه درسی مشتمل بر فرصت ها و شرایطی است که به قصد رشد همه جانبه تربی از سوی طراحان

برنامه برنامه پیش بینی می شود. برخی از فرصت ها نیز در فرایند تربیت یادهی - یادگیری پدید می آیند که قابل پیش بینی نمی باشند.

- احمدی و ... (۱۳۹۷) در کتاب راهنمای عمل برنامه ویژه مدرسه (بوم)، برنامه درسی را به عنوان طرحی برای یادگیری و تجربه یادگیری دانش آموزان تعریف نموده اند.

○ بر اساس الگوی نظری زیر نظام برنامه درسی، برنامه درسی به صورت زیر تعریف شده است:

به مجموعه فرصت های تربیتی نظام مند و طرح ریزی شده (از سطح ملی، منطقه ای و محلی تا مدرسه و کلاس درس) و نتایج مترتب بر آن اطلاق شده است. (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۳۷۲)

فرصت های تربیتی بیانگر آن است که برنامه درسی تاکید بر هر نوع فرصت سازنده ای اطلاق می شود که در یادگیری و تربیت دانش آموزان مؤثر است از جمله:

- گردش علمی و اردو
- آزمایشگاه و کارگاه مدرسه
- سمینار و کنفرانس علمی
- مسابقات و جشنواره علمی، فرهنگی و ...
- نمایشگاه و بازارچه مدرسه
- انواع محتوای مکتوب و غیر مکتوب
- کنش و واکنش دانش آموزان در کلاس درس
- تئاتر، ورزش و ...
- تکالیف و فعالیت های متنوع
- پژوهش و پروژه ها
- جو فرهنگی و اخلاقی مدرسه و ...

در این تعریف به طور هوشمندانه به جای کلمه فرصت های درسی و یا ... از کلمه فرصت های تربیتی استفاده شده است.

کلمه تربیتی در اینجا همان مفهوم کامل تعلیم و تربیت است و در برگیرنده همه مقتضیات تربیت است.

منظور از مقتضیات تربیت هر گونه اقدام و تدبیر هدفمندی است که مریان در فرایند تربیت برای تحقق اهداف این فرایند نسبت به متریان طراحی و اجرا می کنند که اهم آنها عبارتند از: (همان : ۱۷۲)

- تمهید (فراهم کردن امکانات مقدماتی و شریط محیطی مناسب)
- تأدیب
- تعلیم
- تزکیه
- تبیین
- تذکر و موعظه
- انذار و تبشیر
- پرسش و پاسخ
- امر به معرف و نهی از منکر
- تشویق و تنبیه
- ابتلا و آزمایش

برنامه درسی به مجموعه فرصت های تربیتی اطلاق می شود که متریان برای کسب شایستگی های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی در معرض آن قرار می گیرند، تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش، مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد را به دست آورند.

- در اینجا چند واژه کلیدی همچون شایستگی، موقعیت و هویت مطرح شده است که در هیچیک از تعاریف برنامه درسی مطرح نشده است.

به عبارت دیگر برنامه درسی یک فرایند تعالی در جهت تکوین و تعالی هویت تعریف کرد که این تعریف همان تعریف تربیت است (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰)

با توجه به نکات فوق رابطه **موقعیت، هویت و شایستگی** تبیین می شود:

*موقعیت:

مجموعه روابطی که یک انسان با عناصر دیگر هستی برقرار می کند موقعیت نام دارد. بنابراین موقعیت همان رابطه و نسبتی است که هر انسان با عناصر دیگر هستی برقرار می کند. دامنه هستی هر انسان شامل مؤلفه های زیر است:

۱- **انسانهای دیگر** (فرهنگ، تاریخ، جوامع و مؤسسات)

۲- **طبیعت** (جمادات، نباتات و حیوانات)

۳- **خود** به عنوان موجودی که با وجود اشتراکات فطری و طبیعی است که با دیگران دارد. دارای ویژگی های منحصر به فرد و دارای علائق، تمایلات و توانایی هایی است.

۴- **خداوند** که در فرا موقعیت انسان قرار دارد و علت همه هستی است.

۵- **چگونگی ارتباطی** که هر انسان با این مؤلفه های هستی برقرار می کند، موقعیت او را شکل می دهد و از آنجا که انسان در گستره هستی موجودی قادر و قابل کسب شناخت و معرفت و عمل است. چگونگی و کیفیت موقعیت انسان به چگونگی درک و عمل آگاهانه و اختیاری او وابسته است.

*هویت:

هویت انسان که در واقع همان هستی ناتمام اوست، در این جریان یعنی درک و تحول مداوم موقعیت خود و دیگران، شکل میگیرد. توسعه و تعالی پیدا میکند یا با سوء استفاده از اراده و خواست خود در مواجهه با درک و تغییر موقعیت خود و دیگران تنزل می یابد و حتی از مرحله هویت انسانی نیز سقوط می کند.

در واقع اگر چه انسان در بدو قرار گرفتن در موقعیت هستی، یعنی تولد با خود آورده ای (همان فطرت و طبیعت خداوندی) دارد، که هسته اولیه هویت هر انسانی همان هسته است، اما این هسته در زنجیره مستمری از موقعیت های تحول یابنده (فرایند زندگی) شکل می گیرد و توسعه می یابد، یا محدود می شود و از سطح انسانی فروتر می رود...

- بنابراین هویت هر انسان محصول تحولات موقعیتی اوست که به صورت یک جریان آگاهانه و اختیاری و فرایندی دائمی و پویا رخ می دهد.

* شایستگی:

اما لازمه تعالی هویت ان است که هر انسان ضمن تکیه بر داشته های فطری که هسته اولیه هویت اوست، مجموعه ای از شایستگی های خود را در پرتو شرایط و با اتکا عقل و عواطف عالی انسانی کسب کند و به تعالی برسد. بنابراین شکل گیری و تعالی شایستگی ها عامل اصلی و سازنده هویت در شکل مطلوب است. منظور از شایستگی ها، مجموعه ای ترکیبی از صفات، توانمندی ها و مهارت های فردی و جمعی برای درک و بهبود مداوم موقعیت خود و دیگران بوده که ناظر همه جنبه های هویت (ابعاد فردی و جمعی) است.

○ برخی از مهمترین اصول در طراحی برنامه های درسی و مبانی نظری زیر نظام برنامه درسی عبارتند از:

- برای تدارک فرصت های تربیتی اتکاء به رویکرد رفتاری در تدوین اهداف برنامه درسی باید به حداقل ممکن تنزل یابد.

- سازماندهی محتوای برنامه درسی باید با اتکاء بر رویکرد تلفیقی و مسئله محور و تاکید بر مفاهیم، مهارت ها و ایده های اساسی در هر یک از ساحت های تربیت صورت گیرد.

- در اجرای برنامه درسی، اندیشه ها و انگاره های رایج در درون و بیرون مدرسه باید کانون توجه باشد، به عبارت دیگر فرهنگ مدرسه صالح به عنوان مقصد نهایی باید مد نظر باشد.

- از نگاه تک ساحتی به ماهیت تدریس باید پرهیز شود، و نسبت به جنبه هنری علاوه بر جنبه علمی باید توجه شود.

- به کسب شایستگی ها باید به عنوان فرایند دستیابی به معنا نگریست که در آن متربی عاملیت داشته و مربی راهنماست.

- در فرایند کسب شایستگی ها لازم است پرسشگری متریان مورد تأکید قرار گیرد.

-وجه رقابت جویی ارزشیابی باید به حداقل برسد، و ارزشیابی گروهی مورد تأکید قرار گیرد.

-ارزشیابی از شایستگی متریان باید در خدمت یادگیری قرار داشته باشد و فرایند ارزشیابی تا سرحد امکان در فرایند یاددهی-یادگیری منحل گردد.

بخش دوم

رویکرد برنامه درسی

❖ رویکرد برنامه درسی

- رویکرد: جهت گیری کلی، مشخص و منسجمی درباره ماهیت و چگونگی مواجهه با موضوع مورد نظر که با توجه به مجموعه ای از مفروضات سازگار، تعیین می شود. و التزام به آن موجب ایجاد هم گرایی و هماهنگی از یک طرف با مبانی در انتخاب اصول معیارها و روش های خاصی در عرصه عمل خواهد شد و با فلسفه تعلیم و تربیت در ارتباط است و از طرف دیگر زمینه جهت گیری عناصر برنامه درسی در مرحله تدوین معیارها و روش های خاصی در عرصه عمل خواهد شد. بر اساس مبانی نظری سند تحول رویکرد زیرنظام برنامه درسی، موقعیت محور و یکپارچه نگری است.

- موقعیت محوری:

منظور از موقعیت وضعیت مشخص، پویا، قابل درک و تعبیری است که حاصل تعامل پیوسته فرد به منزله عنصری آگاه، آزاد و فعال با خداوند و گستره ای از جهان هستی (خود، طبیعت و جامعه) در محضر خداوند متعال است. انسان همواره در موقعیت قرار دارد و می تواند آن را درک کند و تغییر دهد.

- دانش آموزان جهت درک و عمل برای بهبود مستمر موقعیت خود باید شایستگی های لازم را کسب کنند، مفهوم کسب، ناظر به عمل آگاهانه و آزادانه تربیتی است. در واقع کسب، تلاشی آگاهانه و ارادی است که تربیتی در زمینه های فراهم شده برای تحقق و پیشرفت ظرفیت های وجودی خویش انجام می دهد. ولی از آنجا که ظرفیت های وجودی آدمی امری از پیش تعیین شده نیست و در دو جهت سقوط و صعود، به انتخاب فرد، شکل میگیرد، جهت گیری ارزشی این تلاش همان تحقق شایستگی های لازم در ساحت های وجودی فرد است. لذا کسب شایستگی ها دارای ویژگی های زیر است:

۱- موقعیت محور (شکل گیری تحت تأثیر و در تعامل با عناصر موقعیت و برای درک و اصلاح مداوم آن

۲- تربیتی محور (نقش اصلی با تربیتی است)

۳- مداوم و مستمر (با توجه به روند تکوین و تعالی پیوسته هویت)

۴- آگاهانه و ارادی (متناسب با سطح مدرسه و آمادگی تربیتی)

- یکپارچه نگری :

بدین معناست که مفاهیمی چون برنامه و فوق برنامه، منابع درسی و کمک درسی، موضوع محور و مضمون محوری و حیطه های شناختی و عاطفی ضرورتاً "متقابل و غیر قابل جمع تفسیر نمی شوند و بلکه می توانند لازم و ملزوم و مکمل یکدیگر تلقی شده وزیر نظام برنامه درسی باید در جهت وحدت بخشیدن به آنها حرکت نماید.

- فطرت گرایی توحیدی:

رویکرد برنامه ریزی درسی و تربیتی، با الهام از برنامه درسی ملی "فطرت گرایی توحیدی" است. اتخاذ این رویکرد به معنای زمینه سازی لازم جهت شکوفایی فطرت الهی دانش آموزان از طریق درک و اصلاح موقعیت آنان به منظور دستیابی به مراتبی از حیات طیبه است. (که با رویکرد فوق همگرایی دارد)

❖ در این رویکرد دانش آموز:

- ۱- امانت الهی و دارای کرامت ذاتی است.
- ۲- فطرت الهی در وجود او نهفته است و قابلیت شکوفایی و فعلیت یافتن دارد.
- ۳- توانایی انتخاب، تصمیم گیری و خویشتن داری دارد.
- ۴- از اراده و انگیزه برخوردار است.

❖ در این رویکرد معلم (مربی)

- ۱- در مسیر راه انبیاء و ائمه اطهار (ع) اسوه ای امین و بصیر برای دانش آموزان است.
- ۲- با شناخت و بسط ظرفیت های وجودی دانش آموزان و خلق فرصت های تربیتی و آموزشی، زمینه درک و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت آنان را فراهم می سازد.
- ۳- زمینه ساز رشد عقلانی، ایمانی، علمی، و اخلاقی دانش آموزان است.
- ۴- راهنما و راهبر فرایند یاددهی - یادگیری است.
- ۵- یادگیرنده و پژوهنده است.

❖ در این رویکرد محتوا:

- ۱- مبتنی بر ارزش های فرهنگی و تربیتی و سازگار با آموزه های دینی و قرآنی، مجموعه ای منسجم و هماهنگ از فرصت ها و تجربیات یادگیری است.
- ۲- در برگیرنده مفاهیم و مهارت های اساسی مبتنی بر شایستگی های مورد نیاز دانش آموزان است.

❖ در این رویکرد یاد دهی-یادگیری:

- ۱- فرایندی زمینه ساز برای ابراز گرایش های فطری، شناخت موقعیت یادگیرنده و اصلاح مداوم آن است.
- ۲- یادگیری حاصل تعامل خلاق، هدفمند و فعال یادگیرنده با محیط های متنوع یادگیری است.

❖ در این رویکرد ارزشیابی:

- ۱- به صورت مستمر، تصویری روشن و همه جانبه از موقعیت کنونی دانش آموز، فاصله او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت ها و نیازهای وی را ارائه می کند.
- ۲- زمینه انتخاب گری، خود مدیریتی و رشد مداوم دانش آموز را با تأکید بر خود ارزیابی فراهم می کند.

بخش سوم

برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه

(بوم)

❖ برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه (بوم)

برنامه ریزی درسی در نظام آموزش و پرورش به صورت متمرکز طراحی و تدوین می شود و جهت اجرا به مدارس ارسال می شود. اما بر اساس اسناد تحولی زمینه کاهش تمرکز در نظام برنامه درسی فراهم شده است. در زیر نظام برنامه درسی (ص ۳۷۷) اصول مهمی در این زمینه بیان شده است:

۱- برای آن که عاملان تربیت در کلیه سطوح نظام تربیت رسمی و عمومی در قبال کیفیت تربیت و نتایج آن مسئول و پاسخگو باشند و بستر لازم را برای مشارکت مؤثر ارکان و عوامل سهیم و مؤثر در فرایند تربیت فراهم آید، ضروری است متناسب با نقش ارکان و عوامل سهیم و مؤثر در سطوح مختلف به تناسب و به آزادسازی معقول به عنوان یک اصل مبنایی نگریسته شود.

۲- شناخت سطوح آزادسازی از یک سو، شرایط و ظرفیت های گوناگون و متغیر عوامل سهیم و مؤثر در مناطق مختلف کشور از سوی دیگر ضروری است.

۳- شش سطح آزادسازی باید به طور هم زمان در نظام برنامه ریزی درسی بکار گرفته شود و به درستی مدیریت شود.

۴- تمرکز زدایی از برنامه های درسی باید زمینه رقابت سازنده در جهت افزایش کیفیت و کارایی نظام تربیت رسمی و عمومی را در چهارچوب نظام معیار اسلامی نیز فراهم آورد.

➤ سطوح آزادسازی با سه نوع برنامه درسی تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی ارتباط دارد، لذا ابتدا این نوع برنامه درسی توضیح داده می شود پس ارتباط آن با شش سطح آزادسازی بیان می شود: (همان: ص ۳۷۲)

- برنامه درسی تجویزی یا بخشی از برنامه درسی که برای پرورش هویت مشترک متربیان کاربرد دارد.

- برنامه نیمه تجویزی یا بخشی از برنامه درسی که علاوه بر تاکید به پرورش هویت مشترک متربیان، پرورش هویت اختصاصی آنان را نیز در کانون توجه قرار می دهد. (متناسب با وضعیت

های گوناگون که متریان از نظر شغلی و تحصیلی برای آینده خود متصورند تعریف و طراحی می شوند.

- برنامه درسی غیر تجویزی: برخی از حوزه ها یا فعالیت های یادگیری در برنامه درسی که کاملاً تحت تأثیر وضعیت های خاص زمانی، مکانی و انسانی اختصاصاً برای پرورش هویت اختصاصی کاربرد دارد.

➤ این سه نوع برنامه در چرخش تحولی زیر نظام برنامه درسی (ص ۴۱۷) به صورت زیر بیان شده است:

- از برنامه درسی تک وجهی (تجویزی) به برنامه در سه وجهی (ساختار مثلثی)
- از برنامه درسی کاملاً متمرکز به برنامه ریزی درسی متکی بر مشارکت مؤثر ارکان و عوامل سهیم در تربیت در تمام سطوح.
- از برنامه درسی نتیجه محور به برنامه درسی پیامد محور (محصول، برون داد، پیامد)
- از جدا سازی برنامه های آموزشی و پرورشی به برنامه های درسی یکپارچه

➤ در عین حال در اصول بخش غیر تجویزی (همان: ص ۳۸۲) محورهای زیر بیان شده است:

- توجه به طیف ظرفیت های وجودی (علائق و استعدادها و نیازها) متریان در طراحی برنامه ها و فعالیت ها.

- توزیع بهینه فرصت های تربیتی میان انواع سه گانه (مکمل، فوق برنامه و اوقات فراغت) و انواع اهداف در ساحت های تربیت.

- اصالت قائل شدن برای هویت ویژه (نیازها، علایق و رغبت) متریان در استفاده از برنامه ها و فعالیت ها.

- کوشش در جهت برقراری تعامل سازنده میان برنامه درسی تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی و ایجاد هم افزایی میان اجزاء سه گانه در نیل به شایستگی ها.

- اصالت قائل شدن برای ارزشیابی فرایندی، غیر رسمی و درونی.

- بهره مندی از همه عوامل درون مدرسه تحت مدیریت برای طراحی و اجرای فرصت های تربیتی غیر تجویزی، همسو با بخش تجویزی آن.

-توجه به هویت ویژه در بخش نیمه تجویزی و غیر تجویزی برای تأمین و ارتقاء سلامت و توانمند سازی متریبان با عنایت به ملاحظات جنسیتی آنان.

❖ سطوح آزاد سازی :

- ۱- **آزادسازی نا محسوس:** این سطح از آزاد سازی اساسا با برنامه درسی تجویزی مرتبط است و جکایت از جرح و تعدیل هایی در برنامه درسی دارد که معمولا در مقیاس بسیار محدود در مدرسه دنبال می شود، به شرطی که معلمان از صلاحیت علمی لازم برخوردار باشند (معلم فکور ، معلم پژوهنده).
- ۲- **آزادسازی تولید منابع یادگیری:** این سطح از آزادسازی اساسا با برنامه درسی تجویزی مرتبط است ، یعنی سند اصلی برنامه و جهت گیری کلی برنامه ها مشخص است ، اما امکان چند تألیفی و انتخاب از سوی مدارس فراهم می شود.
- ۳- **آزادسازی انتخاب از میان راهنمای برنامه درسی موازی:** این سطح از آزادسازی اساسا با برنامه درسی تجویزی مرتبط است و سطوح اجرایی می توانند از میان راهنماهای مختلف تولید شده حق انتخاب داشته باشند.
- ۴- **آزادسازی ناظر به بخش نیمه تجویزی:** مدرسه و معلمین میتوانند از میان برنامه های درسی تولید شده حق انتخاب داشته باشند.
- ۵- **آزادسازی ناظر به بخش غیر تجویزی:** مدرسه و معلمین میتوانند خود به تولید برنامه درسی اقدام نمایند.
- ۶- **آزاد سازی کل برنامه درسی:** در این سطح از آزادسازی ، رسالت تشکیلات مرکزی برنامه ریزی درسی ، به تدوین استانداردهای عملکرد در هر یک از حوزه های یادگیری تقلیل پیدا می کند و استانها و مدارس می توانند بر اساس استانداردهای برنامه های درسی را تدوین و اجرا کنند.

- مهمترین استدلال طرفداران برنامه درسی متمرکز ، تأمین کیفیت برنامه های درسی برای همه دانش آموزان کشور است ، اینان بر این نظرند که عدالت آموزشی ایجاب می کند که دانش آموزان در همه جای کشور ، مناطق برخوردار ، نیمه برخوردار و محروم به مناسب ترین برنامه های لازم برای یادگیری خود دسترسی داشته باشند.
- مهمترین استدلال طرفداران برنامه درسی غیر تجویزی این است که برنامه های هماهنگ و مشترک برای همه مدارس و دانش آموزان ، امکان و فرصت چندانی به معلم نمی دهد که میان تجربه خاص دانش آموزان یک کلاس و مدرسه با اهداف یادگیری ارتباط برقرار کند. اینان بر این نظرند برای اینکه برنامه درسی به یادگیری های اصیل و عمیق منجر شود و پایدار در مدرسه به عمر خود ادامه دهد ، نیازمند است که انعطاف و درجاتی از سازگاری با وضعیت محلی و مدرسه برخوردار باشد. (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷)

❖ راهکارهای سند تحول و برنامه درسی ملی پشتیبانی از برنامه ویژه مدرسه (برنامه درسی در سطح مدرسه):

▪ راهکارهای سند تحول

- راهکار ۵-۵: اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه های آموزشی به معرفی حرفه ها و ...
- راهکار ۶-۶: تعامل اثر بخش مدارس با پژوهش سراها و ...
- راهکار ۱-۷: فراهم آوردن زمینه های لازم برای نقش آفرینی مدرسه به عنوان کانون کسب تجربیات تربیتی محله
- راهکار ۲-۷: همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و علمی و ...
- راهکار ۶-۱۱: استقرار ساز و کارهای ارتقای توانمند سازی های معلمان برای مشارکت مؤثر در برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه
- راهکار ۲-۱۳: افزایش کارآمدی شورای های درون مدرسه ای
- راهکار ۱-۱۶: ایجاد تنوع در فرصت های تربیتی در مراکز آموزشی، تربیتی برای پاسخ گویی به نیاز های دانش آموزان
- راهکار ۵-۱۸: استقرار نظام خلاقیت و نوآوری و ... و حمایت مادی و معنوی از مدیران، مربیان و دانش آموزان خلاق، نوآور و کار آفرین

▪ سند برنامه درسی ملی:

• اصل ۲-۳:

- برنامه های درسی و تربیتی ضمن تاکید بر ویژگی های مشترک ، به تفاوت های ناشی از محیط زندگی (شهری ، روستایی ، عشایری ، فرهنگی و جغرافیایی) جنسیتی و فردی دانش آموزان (استعداد ها ، توانایی ها ، نیازها و علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد.

• بند ۳-۱۲:

- توسعه سیاست چند تألیفی و زمینه سازی برای مشارکت فعال استان ها، معلمان، مربیان و... در تولید، تکمیل و غنی سازی مواد، منابع و مراکز متنوع یادگیری در چارچوب سیاست های آموزش و پرورش

• بند ۴-۱۲:

-بستر سازی برای بسط و توسعه تجارب و ابتکار معلمان و مربیان و دانش آموزان

• بند ۲-۱۳:

-علاوه بر زمان رسمی، در تمامی پایه ها ۵۰ ساعت به فعالیت های خارج از کلاس و مدرسه متناسب با اقتضائات برنامه درسی هر حوزه های تربیت و یادگیری اختصاص می یابد و ۵۰ ساعت متناسب با شرایط و اقتضائات محیطی

-بر اساس راهکار ۵-۵ سند تحول ، برنامه ریزی و تأمین محتوای بخشی از زمان رسمی تعلیم و تربیت در اختیار استان، منطقه و مدرسه خواهد بود

بخش چهارم

گام های اجرایی برنامه ویژه مدرسه

در مدرسه

❖ گام های اجرایی برنامه ویژه مدرسه در مدرسه:

الف- فهم مشترک ارکان مدرسه / نهاد های محلی

برنامه ویژه مدرسه (برنامه درسی در سطح مدرسه) یک برنامه یا فعالیت مانند دیگر فعالیت های ابلاغی وزارت آموزش و پرورش به مدارس نیست، صرفاً آموزش یک مهارت نیست، بلکه انجام یک فرایند علمی در طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی است.

لذا آشنایی همه همکاران مدرسه (معلم، مربی تربیتی، مشاور، معاونین و...) با علم برنامه ریزی درسی (فرایند نیازسنجی، فرایند تدوین برنامه و...) لازم و ضروری است. درعین حال انجمن اولیا و مربیان و نهادهای محلی نیز با منطبق این برنامه باید آشنا شوند.

لذا همکاران مدرسه ضمن شرکت در دوره های آموزشی مرتبط با برنامه ویژه مدرسه:

- باید به صورت تیمی با رهبری مدیر مدرسه، در عمل، فرایند طراحی و اجرای این برنامه را تمرین کنند. تا ضمن فهم مشترک، زمینه کار تیمی و جمعی (اجتماع یادگیرنده) فراهم شود. به عبارت دیگر شرط موفقیت این برنامه در مدارس، ایجاد جو و فرهنگ یادگیری تیمی، خرد جمعی و تصمیم جمعی است.

- مدرسه به عنوان سازمان یادگیرنده با ایجاد فضایی تعاملی میان مربیان و متریان، امکان ترکیب و به هم پیوستن تجربیات برای شناخت نقاط هستی بخش و راه های مواجهه با آن را متناسب با تفاوت های فردی متریان تدارک می بیند.

مدرسه صالح به عنوان سازمان یادگیرنده با ایجاد فضایی تعاملی میان مربیان و متریان با امکان ترکیب و به هم پیوستن تجربیات برای شناخت نقاط هستی بخش و هستی زدا و راههای مواجهه با آن متناسب با تفاوت های فردی متریان تدارک بیند.

سازماندهی مداوم زمینه های تربیتی و فضای مدرسه، در گروه تغییرات سه محور زیر است:

۱- تغییرات هویتی کلیه عوامل تربیت.

۲- ارتقاء پیوسته مرتب وجودی آنان.

۳- ساماندهی مداوم روابط و ساختارها و شکل گیری فرهنگ سازمانی مدرسه صالح بر اساس نظام معیار اسلامی.

- در چنین فضایی برنامه ها (برنامه های درسی و فرهنگی و ...) در عین سازمان یافتگی مملو از فرصت های گزینش، ترجیح و انتخاب آزادانه و آگاهانه بوده، به گونه ای که هر یک از متریان بر اساس استعداد و توانایی خویش، از فرصتهای متنوع تربیتی برای درک و اصلاح مداوم موقعیت خود برخوردار خواهند شد.

در این فرایند مشارکت مستقیم خانواده ها در برنامه ریزی و اداره مدرسه با هدف هماهنگی و همسویی روشها و اهداف تربیت ضروری است.

در عین حال مشارکت جامعه محلی هم در این فرایند مؤثر خواهد بود.

بر اساس نکات فوق تجلیات سازمانی مدرسه عبارتند از: (همان: ۳۵۹)

- جلوه ای از تحقق مراتب حیات طیبه
- نقطه اتکای دولت و ملت در رشد، تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیتی محله
- عشق به تربیت
- برخورداری از روح علمی و پژوهشی
- رواج روحیه خلاقیت و نوآوری
- حاکمیت مناسبات اخلاقی و اعتقادی و ...
- تقویت کننده شایستگی های پایه
- درک و اصلاح مداوم عملکرد مدرسه
- زمینه سازی جهت خودارزیابی مدام متریان

■ سازماندهی مداوم زمینه های تربیتی در فضای مدرسه، درگرو تغییرات هویتی کلیه عوامل تربیت (اعم از معلم، مدیر و همه ی عواملی است که به نوعی با متریان سروکار دارند) و ارتقای پیوسته مراتب وجودی آنان و نیز ساماندهی مداوم روابط و ساختارها و شکل گیری فرهنگ سازمانی مدرسه بر اساس نظام معیار اسلامی خواهد بود. (مبانی نظری سند تحول)

▪ زیر بنای سازمان یادگیرنده (یا مدرسه یادگیرنده) یادگیری است. یادگیری کارکنان در مدرسه در دو سطح قابل تبیین است:

۱- **یادگیری فردی:** هریک از همکاران مدرسه، متناسب با رشته خود از سواد تخصصی لازم برخوردار هستند، در ضمن از نظر حرفه ای (پداگوژی) نیز همینطور. (البته لازم است که به طور مستمر سواد پداگوژیکی همکاران مدرسه روزآمد گردد).

۲- **یادگیری تیمی:** همکاران علاوه بر یادگیری فردی، نیازمند یادگیری از یکدیگر هستند، این نوع یادگیری، جهت کار تیمی و تحقق اهداف برنامه ویژه مدرسه ضروری است. چون تجارب، پیش دانسته ها، پیش فرض ها، دانش و اطلاعات، برداشت ها، باورها و ... هریک از همکاران میتواند با دیگری تفاوت داشته باشند، لذا لازمه نزدیک شدن دیدگاه ها و فهم مشترک در موضوعات مختلف، یادگیری های جمعی و تیمی است. این یادگیری از طریق گفتگو، مباحثه، انجام کار مشترک، نقد و بررسی مشترک و ... حاصل می شود.

سطح عمیق تر این یادگیری از طریق تعامل حاصل می شود، تعامل یعنی کنش متعامل: یعنی هریک از افراد نسبت به نظرات دیگران، دلایل پذیرش و عدم پذیرش خود را بیان کند و یک بحث عمیق در تیم به جریان بیافتد تا افراد به موضوع مورد بحث به اجماع برسند، این فرایند کمک خواهد کرد همه افراد از هم بیاموزند و به یادگیری هم کمک کنند، در این فرایند زمینه همدلی فراهم می شود. به جای رقابت، زمینه همیاری فراهم می گردد.

(آرانی، محمدرضا، ۱۳۹۸)، با بهره گیری از نظرات پیتر سنگه درس پژوهی را (یادگیری تیمی همکاران در مدرسه) زمینه ساز تحقق یادگیری سازمانی (مدرسه یادگیرنده) می داند و به نقل از ایشان بیان می دارد:

یادگیری نیازمند تحول بنیادی در طرز تفکر انسان، باز سازی مداوم آموخته ها، بازاندیشی مستمر رفتار، بهسازی تدریجی فرایندهای عمل و حرکت اساسی برای واریسی بی امان پیش فرض های ذهنی و آزمون مداوم تجربه های فردی و اجتماعی است.

این تصور از یادگیری با آنچه در محاوره های روزمره به معنای دریافت، حفظ و بازپس دادن اطلاعات، متداول است، بسیار تفاوت دارد.

یادگیری زاینده و مبتنی بر بازاندیشی عمل و بازبینی الگوهای ذهنی در قلب و ذهن انسان نفوذ می کند، موجب آگاهی و تغییر رفتار می شود. به انسان قابلیت ارتباط مؤثر با جهان خارج از

ذهن را می‌دهد و از این طریق، چشم اندازهای تازه ای پیش روی او می‌گذارد. قابلیت های انسان را گسترش می‌دهد و بر توانایی خلاقیت و نوآوریهای او می‌افزاید و دانش حرفه ای برای توسعه مهارت های باز اندیشی از طریق این نوع یادگیری تولید و ترویج می‌شود. در نتیجه فرایند عمل پیچیده مدارس است که یاد می‌گیرند این نوع یادگیری (مدرسه به مثابه سازمان یادگیرنده) اغلب فرایند گرامی باشد.

معلمان و عوامل مدرسه آنگاه که می‌کوشند به نحوی تفکر و تعامل خود بیندیشند و بنیان فکری خویش را واریسی کنند، به تدریج آماده می‌شوند تا قابلیت هایشان را برای تفکر، گفتگو، آگاهی، یادگیری و تعامل به شیوه نوین توسعه دهند. در چنین شرایطی یادگیری سازمانی گسترش می‌یابد و جوانه های نوآوری سر بر می‌آورند.

افزایش آگاهی ناشی از گفتگو با خود و تعامل با دیگران و شنیدن نظرات متفاوت، رویکرد افراد را تغییر می‌دهد و زاویه دید آنان را از مناسبات ماشینی، کمی و مادی در محیطی که در آن فعالیت می‌کنند و احتمالاً بر حیات سازمان های اجتماعی تاثیر مستقیم دارد و به خود آگاهی، پیش فرض های ذهنی، احساس مشترک از ماهیت و هدف سازمانی، فرایند عمل و تصورات نفوذ ناپذیر خود از شرایطی که در آن کار می‌کنند، متوجه می‌سازد.

برای تبیین و بازبینی نگرش ها، پیش فرض ها و باور هایی که به طور کلی ادراک آدمی از جهان را می‌سازند و عمیقاً بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارند، دو نوع مهارت لازم است:

بازبینی و باز اندیشی

بازبینی به انسان کمک می‌کند تا به آرامی و با دقت در فرایند های تفکر خود تأمل کند و دریابد که الگو های ذهنی چگونه شکل می‌گیرند.

بازاندیشی به آدمی کمک می‌کند که در جریان گفتگو و سهیم شدن در فرایند تبیین پیش فرض های خود با دیگران، آگاهی خود را نسبت به کیفیت نگرش ها و تصویرهای ذهنی خویش افزایش دهد و تأثیر آن را در عمل ارزیابی کند.

- دانشی که می‌تواند به توسعه مهارت های بازبینی و باز اندیشی عمل، کمک کند و ظرفیت و توانایی عمل اثربخش (تغییر) را توسعه دهد، "علم عمل" است.

هدف این دانش، تبیین دلایل و باورهای نهفته در لایه های زیرین عمل انسان، گسترش یادگیری زاینده، ترویج گفتگو با خود و دیگران، یادگیری و تفکر در حین عمل، و برنامه ریزی به مثابه یادگیری است.

-نظریه پردازان "علم عمل" بر مهارت های گفتگو، پرسشگری، مباحثه، بازاندیشی در عمل، خودآموزی، تفکر رزف اندیش و انتقادی، تبیین پیش فرض ها و باورها، تجربه و تحلیل نگرش ها، بازسازی الگوهای ذهنی، تفکر و یادگیری در عین عمل، خود ارزیابی و آزمون تجربه ها تاکید می کنند.

از نظر آرانی خودآموزی، خود نوسازی و خود اندیشی از طریق یادگیری در حین عمل گسترش می یابد و موجبات بهسازی مستمر نگرش ها و عمل انسان را فراهم می سازد.

تقریباً همه مباحث مربوط به ماهیت و مفهوم سازمان یادگیرنده، در صدد آنند که افراد سازمان را یاری دهند تا به فهم مشترکی از تفکر راهبردی دست یابند. در تجربه و دانش یکدیگر سهم شونند. تصویر دقیقی از مأموریت سازمان برای همکاران ارائه دهنده، افراد سازمانی را برانگیزاند تا برای بینش و عمل یکپارچه و منطقی گردهم آیند و با یکدیگر به گفتگو پردازند. آنها را به بازاندیشی عمل خود دعوت کنند، الگوهای ذهنی مشترکی را در میان آنها توسعه دهد.

-در کنار یادگیری تیمی برای تحقق نوآوریهای جدید در مدرسه، آشنایی با ابعاد و مراحل علم برنامه ریزی درسی یکی از بنیان های اساسی اجرای برنامه ویژه مدرسه (برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه) است.

معلمان، مربیان در حالت فعلی، مجری برنامه های درسی (و فرهنگی) ابلاغ شده می باشند، یعنی برنامه ریزی برای اجرای مطلوب برنامه های ابلاغ شده را به خوبی تجربه کرده اند. اما هیچ گاه تجربه تولید برنامه درسی و... را نداشته اند.

بنابراین یکی از وظایف اصلی و مهم مدیران مدارس، زمینه سازی جهت آموزش تخصصی علم برنامه ریزی درسی برای همکاران مدرسه است. تا ضمن افزایش سواد در این حوزه، زمینه جهت نهادینه شدن این نوع برنامه ریزی فراهم شود.

لذا مدیران محترم ضمن افزایش توانمندی خود در این زمینه، باید با صبوری، فرصت ایجاد نمایند تا همکاران این فرایند را در عمل تجربه کنند و فرهنگ این تفکر در مدرسه کم‌کم نهادینه شود. در عین حال مدیر مدرسه باید در جلسات متعدد (برای همکاران، اولیاء و نهادهای محلی) مبنا و اساس برنامه ویژه مدرسه را به عنوان یک چرخش تحولی تبیین نماید (مبتنی بر گزاره های اسناد تحولی) از جمله:

- گذر از تمرکز به سوی کاهش تمرکز (مدرسه محوری)
- گذر از مدرسه (معلم و...) مجری به مدرسه برنامه ریز و مولد
- افزایش اختیارات مدرسه و اعتماد به صلاحیت علمی مدرسه
- توجه به نیازهای محلی و بومی
- افزایش نقش نهادهای محلی در اداره مدرسه
- افزایش نقش مدرسه در پیشرفت محله (مدرسه به عنوان کانون تربیتی محله)
- و...

ب- نیازسنجی

- مفهوم نیازسنجی:

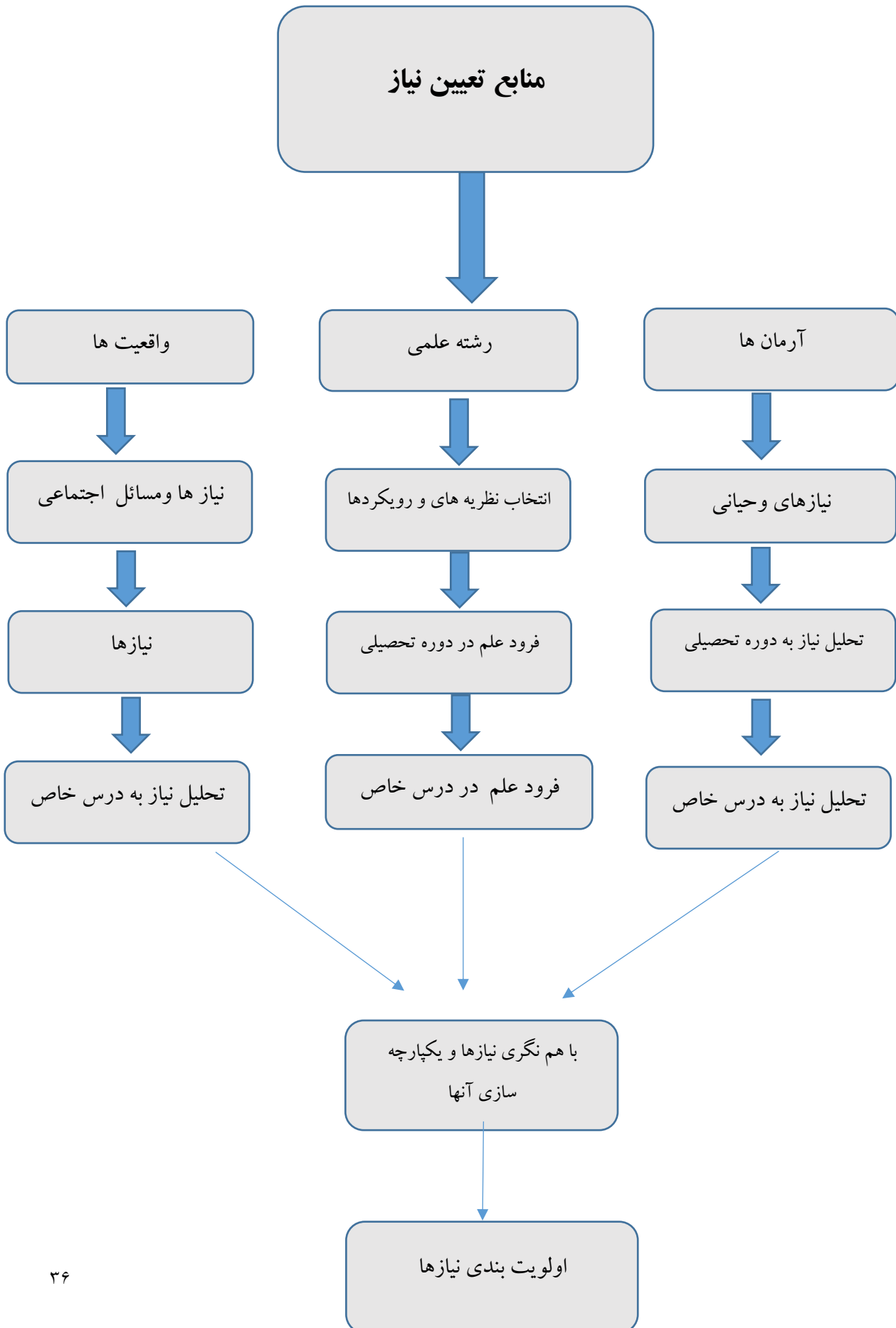
وقتی فردی به نظام تعلیم و تربیت کشور وارد می شود در واقع به راهی قدم می گذارد که باید او را به نهایی ترین مقاصد انسانی برساند. در نظام تربیتی اسلام بر مبنای آموزه های وحیانی، و تربیت انسان مقرب الهی، هدف غایی محسوب می شود. و همه تصمیمات تربیتی را تحت تأثیر قرار می دهد و بر اساس این اصل کلی، نیازسنجی، به مثابه فرایند کاشف واقعیت، با تأثیر پذیری از باورهای عمیق اعتقادی و فلسفی در خصوص مؤلفه های گوناگون نیاز کامل می شود.

نیازسنجی به فرایند مطالعه و شناخت ماهیت فرد، جامعه و رشته علمی به قصد تشخیص ضرورت های تربیتی اطلاق می شود. اما نکته اساسی در میان مفهوم نیاز است. آیا نیاز در برنامه درسی همان خواسته یادگیرنده است؟ آیا خواسته جامعه است؟ آیا خواسته و تأکیدات متخصصان موضوعی است؟ باید گفت هیچ یک از اینها "نیاز" برنامه درسی نیستند. نمی توان خواسته و علاقه

یادگیرنده را نیاز برنامه درسی منظور کرد. زیرا لزوماً خواسته او منطبق بر رشد و کمال وی نیست بنابراین برنامه ریزان درسی مسئول رشد فراگیران هستند.

نمی توان خواسته و علاقه جامعه را نیز نیاز برنامه درسی محسوب کرد زیرا لزوماً خواسته جامعه مهیا کننده رشد فرد نیست. خواسته متخصصان موضوعی نیز نمی توان نیاز تلقی شود، چون آنان بر ساختار دانش تأکید می کنند. بنابراین "نیازهای برنامه درسی" ضرورت های تربیتی برگرفته از فاصله موجود تا وضع مطلوب، که با توجه به نیازها و علائق فراگیرنده و مسائل اجتماعی موجود، قابلیت تأمین به دست آورده اند. (ملکی، حسن، ۱۳۸۸)

الگوی تعیین نیاز در رویکرد فطرت گرایی توحیدی (ملکی ۱۳۹۹)



با توجه به نکات فوق نیاز سنجی در برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه، مستقل از نیاز سنجی های انجام شده در برنامه ریزی درسی تجویزی نیست بلکه در ادامه و در جهت تکمیل شدن آن می باشد.

چون بر اساس مبانی نظری نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰) ضمن تبیین مبانی اساسی تربیت (انسان شناسی، هستی شناسی، ارزش شناسی، معرفت شناسی) اهداف کلان و فرایند تربیت روشن شده است.

به عبارت دیگر در پاسخ به نیازهای دانش آموزان در مسیر متعالی شدن، مبانی، رویکرد، اهداف و فرایند تربیت تبیین شده است. بر اساس این فرایند می توان بیان داشت [وجه عمده نیازها بر اساس آموزه های وحیانی تعیین می شود]. (ملکی، حسن، ۱۳۹۹)

- بر اساس مبانی انسان شناسی، انسان موجودی مرکب از جسم و روح است. (دو حقیقت در هم تنیده و مرتبط) بر اساس این مبانی میتوان ادعا کرد که نیازهای انسانی هم جسمی و هم روحی است. و بعضی نیازها چنانند که برآوردن آنها تعیین کننده بقا آدمی است، اما بعضی نیازها متعالی هستند. در حالی که نیازهای حیاتی انسان نسبت به نیازهای متعالی اولویت زمانی دارند. بنابراین برآوردن نیازهای حیاتی انسان، شرط لازم و مقدم برای برآوردن نیازهای متعالی است. (باقری، خسرو، ۱۳۸۹، ص ۱۸۴)

- بر اساس مبانی انسان شناسی، انسان فطرت الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است، فطرت مفهومی است که معمولاً در برابر جنبه طبیعی بشر به کار گرفته می شود. طبیعت انسان ناظر به نیازها و تمایلات مربوط به ویژگی و تطورات جسمانی است. فطرت شامل شناخت ها و گرایش های متعالی است (پرسش، حقیقت جویی، فصیلت خواهی، زیبادوستی و...). (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰، ص ۵۹)

- بر اساس این مبانی می توان ادعا کرد نیازهای متعالی، فطری هستند. (علم الهدی، جمیله، ۱۳۸۹)

در خصوص اهمیت فطرت الهی بیان می دارد، تربیت (تعلیم و تربیت) نمی تواند، لازم نیست و قصد ندارد به تولید تقوی پردازد. بلکه صرفاً می خواهد امکاناتی برای شکوفایی

فطرت فراهم کند و از طریق آگاه ساری و تذکر نسبت به موقعیت ویژه انسانی به گسترش و تثبیت تقوی کمک کند .

-بر اساس مبانی انسان شناسی ، خداوند توانایی ویژه ای به نام عقل و خرد به انسان ارزانی داشته است.عقل ورزی وجه تمایز نفس انسان از نفس حیوانی و نباتی است ،نفس انسان ،علاوه بر انجام اعمال و وظایف طبیعی مربوط به نفس نباتی و نفس حیوانی ،امتیاز ویژه ای چون عقل دارد.نیازهای مربوط به تعقل و خردورزی هم از نیازهای متعالی محسوب می شود، تا بر اساس ظرفیت عقل زمینه شناخت و معرفت در امورمختلف حاصل شود.

-بر اساس مبانی انسان شناسی ، انسان موجودی است دارای استعدادهای طبیعی متنوع و عواطف و تمایلات گوناگون که می توانند در جهت (مثبت یا منفی)فعالیت یابند و تأثیر گذارباشند.بر اساس این گزاره باید بیان داشت که این قابلیت و تأثیر گذاری در جهت نیل به کمال و هدف غایی زندگی انسانی جهت دهی شود.و الا رشد نامناسب استعدادهای طبیعی و حاکیت عواطف و تمایلات مهار نشده ، مانعی مهم در مسیر کمال وجودی انسان خواهد بود.توجه به این امر تأکیدی بر این نکته است که هدایت و جهت دهی حرکت اختیاری آدمی در ارتباط با این جنبه زندگی او ،امری کاملاً ضروری است.

- بر اساس مبانی انسان شناسی ،انسان موجودی اجتماعی است ، لذا وجود آدمی تا حد قابل توجه از شرایط اجتماع تأثیر می پذیرد و هم می تواندبا توسعه وجودی خویش یا دیگران ارتباط برقرار کند و اجتماع را تحت تأثیر خود قرار دهد. ودر نهایت اینکه هر انسان با داشتن فطرت الهی و با برخورداری از استعدادهای طبیعی و عواطف و تمایلات متنوع ، ضمن تأثیر پذیری نسبی از عوامل وراثتی و محیطی ، بر اساس بهره مندی از توانایی عقل خویش ودر اثر درک و مواجهه اختیاری برای موقعیت (خود و دیگران)به تدریج واقعیتی شخصی و سیال می یابد که از آن با عنوان هویت (و شاکله در تعبیر قرآن)یاد می شود.(مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰، ص ۶۶، ص ۷۲)

- با توجه به نکات فوق ، موضوع نیاز ارتباط وثیقی با طبیعت ، فطرت و عمل دارد.

عمل بر طبیعت و فطرت ، استوار است و می تواند آنرا به نحوی متأثر نماید که یا شعله ور و فروزان گردد و یا فراموش شوند. این چهره ساخته شده شاکله (هویت) نامیده می شود. عمل را نباید مترادف با مفهوم رفتار در ادبیات رایج تلقی کرد ، رفتار فقط بخشی از عمل است.

عمل به سه درجه تقسیم می شود : ایمان قلبی ، قول لسانی ، فعل جوارحی.

تأمل در این مورد نشان می دهد که نزد اولیای دین ، مفهوم عمل ، متضمن سه تجربه عمده و اساسی است که عبارتند از:

- دانش
- گرایش
- رفتار

- انجام عمل صالح در نهایت هویت صالحین را برای ما به ارمغان می آورد. (سوره عنکبوت آیه ۲)

عمل صالح که وجه آشکار ایمان و تصدیق ادعای ماست ، در صورت استمرار ، فطرت را شکوفا و هویت ها را متعین می کند.

حقیقت انسان همان نفس است نفسی مجرد ، ناطق و صاحب مراتب. این حقیقت مجرد ، ناطق و صاحب مراتب است که متضمن سه حقیقت است. طبیعت ، فطرت و عمل. (علم الهدی ، جمیله ، ۱۳۸۹ ، ص ۱۷۱-۱۶۸)

اینها سه بخش جدا نیستند ، بلکه صرفاً حیثیت نفس انسان هستند.

- طبیعت عبارت است از حیثیت تعلق نفس به جسم مادی که تدبیر امور آن بر عهده دارد.

- فطرت عبارت است از حیثیت استعلایی نفس که صبغه الهی و... دارد و جهت نفس را آشکار می کند.

- تحقق و تحول هویت آدمی به شکل متمایز ، بیش از هر چیز ، به جریان منحصر به فرد زندگی هر شخص و معرفت ، باور ، اراده و اعمال اختیاری خود بستگی دارد. شهید مطهری

در این خصوص بیان می دارد انسان یگانه موجودی است که خودش باید خویشتن را انتخاب کند که چه باشد .

بنابراین هویت هر انسان در نهایت محصول اکتساب برخی صفات و توانمندی ها و مهارت ها(شایستگی ها) توسط خود اوست.

براین اساس ، فرایند درک موقعیت خود و دیگران و عمل برای بهبود مداوم آن ، به منظور تکوین و تعالی پیوسته هویت آدمی ، با توجه به حضور و عنصر انتخاب و اختیار در همه عناصر اصلی این فرایند ، حرکتی یک سویه و خودکار نیست ، بلکه این روند می تواند (به شرط فراهم آمدن شرایط مناسب با تکیه بر فطرت الهی و شکوفایی آن و رشد همه جانبه استعداد های طبیعی و تنظیم متعادل عواطف در پرتو تعقل و در راستای غایت زندگی انسان) به شکل گیری هویت یکپارچه در وجود انسان و تعالی پیوسته آن، متناسب با غایت مطلوب زندگی انسان بیانجامد. در غیر اینصورت تکوین هویتی نامتعادل و از هم گسیخته را در پی خواهد داشت.

عمل عبارت است از حقیقت تعلق نفس به جهان ، که مواجهه با پدیده ها و رویدادهای پیرامون را شامل می شود.

- در انسان متعالی اسلامی علاوه بر دانش ، گرایش و رفتار ، دو مرتبه دیگر یعنی صفات (ملکات) و هویت (شاکله) نیز در جریان تحول مستمر انسان پدید می آیند. (همان :ص ۴۰۱)

○ رابطه نیاز سنجی با حیات طیبه

هدف اساسی تعلیم و تربیت اسلامی ، نیل به حیات پاک است. آدمی در این نوع از زندگی ، مبدأ و غایت حقیقی جهان را باز می شناسد و به او می گروید. در عرصه جسم ، به پاکیزگی ، سلامت و قوت نائل می شود . گرایش و هیجان های خود را به صورت موجه و مشروع تنظیم می کند. اراده معطوف به خیر مییابد و در عرصه فردی و جمعی ، عمل صالح انجام می دهد و غنا، عفت، عدالت و رأفت را در جامعه می گسترده.

ذائقه ای توانا برای درک و گرایش به زیبایی ها می یابد. (باقری، خسرو، ۱۳۸۹، ص ۹۱)

ایشان با توجه به هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی، اهداف واسطی تعلیم و تربیت را به صورت زیر بیان داشته است. این اهداف عملاً "فرایند رشد و تربیت نیازها را مشخص کرده است.

۱- پاکی، سلامت و قوت جسمی

۲- اندیشه ورزی و کسب دانش و فهم نسبت به آموزه های دینی و افزایش قابلیت انتخاب

۳- تدبیر اخلاقی تمایلات درونی

۴- اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده های طبیعی

۵- مهارت تصرف مسئولانه در پدیده های طبیعی

۶- اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده های انسانی

۷- افزایش قابلیت مشارکت مؤثر اجتماعی

۸- قابلیت درک و تمیز میان زشت و زیبا و گرایش به امر زیبا

- حیات طیبه، مفهومی یکپارچه و کلی است که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را دربر می گیرد و شئون گوناگونی دارد که در ارتباط و تعامل با یکدیگر و با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی آن را محقق می سازند.

- وجود آدمی در حیات طیبه به لحاظ فردی، به مصادیق خیر، حکمت، قدرت، زیبایی و فضیلت (قوت، سلامت، عزت، علم، ایمان، عمل صالح، حلم، اعتدال، تقوی، عفت، شجاعت، صبر و...) آراسته می شود. همچنین بعد اجتماعی حیات طیبه نیز ناظر به مفاهیم متعدد ارزشی است مانند: تعاون و نیکوکاری، احسان و رأفت، اخوت، اقامه قسط، رعایت حقوق مردم، ظلم ستیزی، توأسی به حق، توکلی و تبری، استقلال، شورا، عقل جمعی، تضارب آراء، امنیت، اتحاد اجتماعی، دفاع و جهاد، نصرت و یاری، صلح، عمران، اطاعت از قوانین اجتماعی، حسن معاشرت، انفاق، ایثار و مدارا.

- از سوی دیگر حیات طیبه ، مفهومی یکپارچه و کلی ولی دربردارنده شئون متعددی است که در ارتباط و تعامل با همدیگر ، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می سازند. این شئون عبارتند از :

- شأن دینی (اعتقادی، اخلاقی، عبادی)
- شأن زیستی و بدنی
- شأن اجتماعی و سیاسی
- شأن اعتقادی و حرفه ای
- شأن علمی و فناوری
- شأن زیبا شناسی و هنری

- حیات طیبه ، مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزش هاست که نه تنها همه آنها به لحاظ اهمیت و اولویت تحقق، در یک سطح و مرتبه نیستند بلکه پذیرش و التزام نسبت به برخی از ارزش های اساسی این نظام معیار ، متوقف به شناخت و انتخاب دین حق نیز نیست. لذا شکل گیری این نوع زندگی در ابعاد مختلف ، دارای مراتب متعدد است. از این رو دستیابی به مراتب حیات طیبه در همه ابعاد ، نه تنها مقصود اعمال فردی و اجتماعی هر انسان دیندار است ، بلکه وصول برخی مراتب مقدماتی و پیش نیاز حیات طیبه نظیر رفع متعادل نیاز های زیستی و طبیعی افراد جامعه یا رعایت بعضی ارزش های اخلاقی مقبول همگان (نظیر انصاف، آزادی ، عدالت و رزق، صداقت، امانت داری و ...) مورد درخواست هر شخص خردمند و دارای عقل سلیمی است که هنوز جلوه های التزام عملی به فطرت پاک الهی ، عقل سلیم و وجدان سالم انسانی ، در وجود او باقی باشد. (مبانی نظری سند تحول ، ۱۳۹۰، ص ۹۷)

مقام معظم رهبری حیات طیبه را این گونه تعریف کرده اند:

-حیات طیبه یعنی زندگی با کیفیت. یعنی زندگی ای که در آن ، هم آخرت انسان تأمین است هم زندگی فردی در آن تأمین است، آرامش روحی در آن است، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود دارد. فواید اجتماعی ، سعادت اجتماعی ، عزت

اجتماعی ، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است .(دیدار با قاریان قرآن مورخه ۱۳۸۹/۴/۲۴)

- حیات طیبه امری صرفاً اخروی نیست ، بلکه در حقیقت حاصل ارتقاء و استعلای حیات طبیعی و متعارف آدمی در همین دنیا ، با صبغه الهی بخشیدن به آن است. و تحقق آن به شکوفایی فطرت و رشد همه جانبه استعداد های طبیعی و تنظیم متعادل عواطف و در نتیجه تکوین و تعالی پیوسته هویت افراد جامعه منجر می شود.

از یک منظر کلی می توان ادعا کرد نیازهای دانش آموزان در ساحت های تربیت با تأکید بر اهداف دوره های تحصیلی پوشش داده شده است. لذا می توان ادعا کرد در صورت طراحی و اجرای درست برنامه های درسی (و فرهنگی و ..) تا حدود زیادی به نیازهای دانش آموزان در ابعاد مختلف مورد عنایت قرار خواهد گرفت. این موضوع در برنامه درسی ملی به صورت زیر تبیین شده است:

-برنامه درسی ملی ،جهت گیری کلان برنامه های درسی را مشخص کرده است و برنامه های درسی تجویزی بر اساس اصول و... این سند طراحی،تدوین ،اجرا و ارزشیابی می شوند.

در این سند، ۱۱ اصل برای برنامه های درسی و تربیتی بیان شده است که چند اصل آن به طور مستقیم با مقوله نیازهای مرتبط است.

- جامعیت:برنامه های درسی و تربیتی باید به نیازهای گوناگون دانش آموزان و جامعه در سطوح محلی ، منطقه ای ،ملی و جهانی در کلیه ساحت های تعلیم و تربیت تأکید کند.

-توجه به تفاوت ها: برنامه های درسی و تربیتی باید ضمن تأکید بر ویژگی های مشترک به تفاوت های ناشی از محیط زندگی شهری یا روستایی،عشایری،فرهنگی ،جغرافیای ،جنسیتی و فردی دانش آموزان (استعدادها ،توانایی ، نیازهای و علایق)توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد.

-اعتبار نقش یادگیرنده : برنامه های درسی و تربیتی باید به نقش فعال ،داوطلبانه . آگاهانه دانش آموز در فرایند یادگیری و تربیت پذیری توجه نماید و زمینه تقویت

و توسعه روحیه پرسشگری، پژوهندگی، خلاقیت و کار آفرینی را در او فراهم سازد.

- در ادامه رویکرد وجهت گیری کلی برنامه های درسی با عنوان فطرت گرایی توحیدی ذکر شده است، بر مبنای این رویکرد، باید زمینه شکوفایی فطرت الهی از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت آنان به منظور دستیابی به مراتبی از حیات طیبه فراهم شود.

بر اساس این رویکرد مهمترین نیاز، همان نیازهای فطری (متعالی الهی) که باید زمینه شکوفایی هم فراهم شود.

همانطور که بیان شد شکوفایی فطرت الهی، از طریق ایجاد فرصت های متنوع جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت صورت می گیرد. لذا محتوا، محیط یادگیری، معلم و... باید چنین فرصت هایی را فراهم آورند.

بر اساس این رویکرد، الگوی هدف گذاری در ۵ عنصر و ۴ عرصه به صورت به هم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین شده است.

عناصر ۵ گانه تفکر، تعقل، ایمان، علم و اخلاق (که میتواند همان جلوه های فطرت الهی باشد) در ارتباط با ۴ عرصه خود، خدا، خلق و خلت (همان موقعیت) قابلیت رشد و شکوفایی پیدا می کند.

در این فرایند محتوا، محیط یادگیری با محوریت معلمان و نقش مدرسه، بسیار مهم است تا بتوانند با خلق فرصت های تربیتی متنوع، زمینه درک و اصلاح موقعیت را از طریق تعقل و... فراهم آورند، در چنین حالتی عملاً به نیازها توجه شده است.

- برای تحقق رویکرد فوق ۱۱ زمینه یا حوزه تربیت و یادگیری این سند مبنا قرار گرفته شده است تا با تولید بسته های تربیت و یادگیری، به نیازها، پاسخ داده شود.

○ فرایند نیازسنجی در برنامه ویژه مدرسه:

با توجه به نکات فوق، یک سؤال کلیدی مطرح می‌شود که اگر، بر اساس تحلیل نیازهای طبیعی، فطری، اجتماعی و... اهداف دوره‌های تحصیلی مشخص شده، در عین حال بر اساس رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی، قلمرو حوزه‌های تربیت و یادگیری هم معین شده است. و عملاً برنامه‌های درسی و تربیتی (کتاب، فیلم آموزشی، گردش علمی، اردوها و...) بر اساس آنها طراحی، تدوین شده است، چه ضرورتی به نیازسنجی مجدد در مدرسه داریم؟

برای پاسخ به سؤال کلیدی، باید بیان شود برنامه ویژه مدرسه، برنامه درسی مستقلی از سند برنامه درسی ملی (و مفاد آن) و برنامه درسی تجویزی نیست، بلکه مکمل آنهاست. نظریه به اینکه نظام برنامه ریزی درسی در ایران به صورت متمرکز اداره می‌شود. لذا پیش فرض آن است که برنامه‌های درسی و اجرای آنها در جو و فرهنگ مدرسه، به هم می‌نیزازد، علایق و ظرفیت‌های دانش‌آموزان توجه کرده باشد. اما بررسی نشان می‌دهد برنامه‌های تجویزی، عملاً توجه کامل به نیازهای فردی، محلی (شهری، روستایی و...) و جنسیتی را ندارد، لذا برنامه ویژه مدرسه، فرصت مناسبی است که تا با تحلیل برنامه‌های درسی و فعالیت‌های جاری مدارس، خلاء و کاستی‌های آن استخراج گردد، و کاستی‌ها، مبنای برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه قرار گیرد.

لذا مهمترین نقش تیم مدرسه (معلم، مربی تربیتی، مشاور و...) تحلیل برنامه‌ها و فعالیت‌هایی است که از سوی ستاد به مدارس ارسال شده است (زیستی، هنری، اعتقادی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، اعتقادی، ورزشی، علمی و...) تا شکاف بین وضع موجود و مطلوب روشن گردد و متناسب با وضع موجود، موضوعات و مهارت‌های متناسب برای دانش‌آموزان تدارک دیده شود.

در این فرایند نظرسنجی از دانش‌آموز، اولیا، متخصصین، نهاد‌های محلی و... می‌تواند به شناخت دقیقتر نیازها (نیازهای دانش‌آموزان و نیازهای محلی) کمک کند. بر اساس نکات فوق، می‌توان مهمترین منبع نیازسنجی در برنامه ویژه مدرسه را به صورت زیر فهرست کرد:

۱- **اهداف مصوب دوره های تحصیلی** : با توجه به اینکه جدیداً این اهداف مصوب شده است به طور طبیعی تمامی شایستگی های اهداف فوق در برنامه های درسی و تربیتی تجویزی بروز و ظهور پیدا نکرده است، لذا مدارس می توانند با تحلیل آنها ، آن بخش از اهداف را که در برنامه های تجویزی مورد توجه قرار نگرفته است تبدیل به موضوعات آموزشی نمایند.

۲- **برنامه های درسی**: معلمان می توانند با مطالعه برنامه درسی ملی و مفاد ۱۱ حوزه تربیت و یادگیری ، تحلیل مناسبی از کتاب ها و فعالیت های یادگیری دانش آموزان داشته باشند و بخشی از برنامه ویژه مدرسه را به مهارت هایی اختصاص دهند که برنامه های درسی به آنها کمتر توجه کرده است.

۳- **برنامه های فرهنگی ، ورزشی، بهداشتی و ... :**

نظر به اینکه هنوز راهنمای حوزه های تربیت و یادگیری در شورای عالی به تصویب نرسیده است ، فعالیت های درسی ، فرهنگی و ... به صورت مستقل طراحی و تدوین می شود . لذا تحلیل فعالیت های فرهنگی و ... مدرسه که از سوی معاونت های پرورشی و تربیت بدنی و آموزشی ارسال می شود می تواند بخشی از برنامه ویژه مدرسه را تشکیل دهد.

۴- **اسناد توسعه کشور:**

از میان اسناد توسعه کشور ، سند مربوط به سیاست های اقتصاد مقاومتی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی میتواند تحلیل شود و متناسب با نیاز دانش آموزان در برنامه ویژه مدرسه قرار گیرد. مانند: آموزش مهارت های کار آفرینی ، آموزش مهارت های پژوهشی و ...

۵- **آخرین یافته های علمی :**

یافته های علمی ، شایستگی های مورد نیاز دانش آموزان در عصر دانایی و فناوری را مشخص کرده اند ، بنابراین مدارس می توانند با تحلیل آنها متناسب با نیازهای دانش آموزان در برنامه ویژه مدرسه از آنها بهره بگیرند.

۶- تحلیل عملکرد علمی و تحصیلی دانش آموز:

یکی از وظایف مستمر مدیر و معلمان و... تحلیل وضعیت تحصیلی دانش آموزان است. این تحلیل از طریق نتایج ارزشیابی های انجام شده (فرایندی و نتیجه محور) صورت می گیرد. براساس این تحلیل، ضعف و اشکالات دانش آموزان مشخص می شود و برای حل آنها برنامه های مناسبی در برنامه ویژه مدرسه پیش بینی می شود.

۷- رفتارها و عملکرد عاطفی، اجتماعی و ...

یکی از وظایف مربیان تربیتی و مشاوران مدرسه رصد و پایش رفتارهای عاطفی، اجتماعی، جمعی و... دانش آموزان می باشد. در پایان هر سال با آسیب شناسی رفتارها، می توانند برنامه های مداخله ای مناسبی را در برنامه ویژه مدرسه پیش بینی کنند.

۸- دانش آموز:

دریافت نظرات دانش آموزان در خصوص علاقه به فعالیت های متنوع تربیتی (ورزشی، آموزشی، هنری، قرآنی و...) می تواند یکی از منابع مهم در تشخیص نیازها، الویت آنها و در نهایت تبدیل آنها به موضوعات آموزشی در برنامه ویژه مدرسه قرار گیرد.

۹- معلمان و دیگر همکاران مدرسه:

معلمان در کنار تدریس کتاب های درسی و آسیب شناسی آن در جهت پیش بینی مهارت های مورد آموزش برای دانش آموزان در برنامه ویژه مدرسه، می توانند بر اساس شناخت خود از واقعیت های اجتماع و نیازهای خاص دانش آموزان نظرات قابل قبولی داشته باشند، لذا می توان با تحلیل نظرات آنها اولویت هایی را برای برنامه ویژه مدرسه پیش بینی کرد.

۱۰- اولیاء، صاحب نظران، نهاد های محلی:

اولیاء، صاحب نظران، نهاد های محلی به عنوان یکی از منابع نیازسنجی در برنامه ویژه مدرسه تلقی می شود که با نظرخواهی از آنها، می توان بخشی از برنامه ویژه مدرسه را بر اساس نظرات آنها مورد عنایت قرار داد.

○ با توجه به نکات گفته شده ، برخی از مهمترین روشهای نیازسنجی در مدرسه عبارتند از :

-بارش مغزی

-تحلیل محتوا

-نظرخواهی

-روش دلفی

-مصاحبه

-و...

○ پس از جمع آوری اطلاعات ، تحلیل مناسب از اطلاعات انجام می شود. نیازها اولویت بندی شده و تبدیل به موضوعات/ مهارت های مورد آموزش در برنامه ویژه مدرسه قرار می گیرد.

○ در ادامه برای هر یک از موضوعات/مهارت ها ، آموزش زمان مناسب در نظر گرفته می شود. و در جدول زمان بندی آموزش آنها در طول سال مشخص می شود. (ساعات فوق برنامه / یا زمان رسمی آموزش مدرسه)

ج- تدوین چهارچوب واحد یادگیری برای هر یک از موضوعات /مهارت های پیش بینی شده:

طراحی هر واحد یادگیری در واقع طرح سازه ساختمان یا معماری آن است که با تولید منابع لازم، طراحی و اجرای تکالیف یادگیری، پشتیبانی از دانش آموزان و فعالیت های مربوط به مرور و ارزیابی همانند گوشت و پوست روی این سازه رشد می کند.

طراحی آموزشی در قالب واحد یادگیری سبب می شود تلاش های معلم و دانش آموزان روی فکر اصلی یا مجموعه ای از مفاهیم /مهارت های اساسی در برنامه درسی متمرکز شود.

واحد یادگیری، پیشبرد زنجیره وار در اهداف /انتظارات یادگیری پیش بینی شده در قالب یک موضوع/مضمون/یا (تم) است که در آن مفاهیم، مهارت ها /فرایندها با بیانی روشن و دقیق گسترش داده می شود.

طراحی هر واحد یادگیری نیازمند وجود طرحی منسجم و شفاف و تصمیم گیری آگاهانه و صریح در مورد تمام عناصر هر واحد یادگیری است. این عناصر همان عناصر برنامه درسی است. (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۱۳)

❖ منطق واحد یادگیری:

منطق واحد یادگیری شرحی استدلالی (منطقی) از ضرورت وجودی آن و تأثیر آن بر عملکرد دانش آموزان در سطح فردی و اجتماعی است.

بخش منطق باید انعکاس دهنده ارزش های پشتیبانی کننده از اهداف و محتوای واحد یادگیری باشد. (چه دانشی بیشترین ارزش یادگیری را دارد و چرا؟) علاوه بر این، منطق واحد یادگیری باید برای فرایند آموزش و ارزشیابی از یادگیری دانش آموزان تعیین تکلیف کند.

▪ شاخص های بخش منطق:

- آیا مسئله یادگیری به اندازه کافی متقاعد کننده است؟
- آیا تمایز واحد یادگیری طراحی شده با آنچه در حال حاضر ارائه می شود، مشخص است؟
- آیا تصویر روشنی از آنچه را در فرایند آموزش این واحد رخ داده، منعکس می کند؟
- آیا رویکرد متقاعد کننده است، آیا رویکرد بر مسئله تبیین شده متمرکز است؟

به طور مثال: آموزش مسائل زیست محیطی تا چه اندازه مهم و سرنوشت ساز است؟

چه مسئله های زیست محیطی در برنامه تجویزی مغفول مانده؟ آیا دانش آموزان در پایان این واحد یادگیری خواهند توانست در برخورد با مسئله های زیست محیطی در محل زندگی تصمیمات تأثیرگذاری بگیرند؟ آیا مسئله های زیست محیطی، محلی، ملی یا جهانی است؟ چگونه تصمیمات آموزشی می توند آثار بلند مدت زیست محیطی داشته باشند؟ (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۱۴)

مثالی از نحوه نوشتن منطق در واحد یادگیری:

یکی از مفاهیم اصلی و مهم در اسناد تحولی آموزش و پرورش، توجه به توسعه فرهنگ کار و آموزش مهارت های کارآفرینی به دانش آموزان است. بر اساس سیاست های اقتصاد مقاومتی نیز می توان اذعان داشت مدرسه ها باید نسبت به تربیت نسلی فکور و کارآفرین همت بگمارند.

در عین حال، تعلیم و تربیت، در ساحت اقتصادی و حرفه ای به این موضوع توجه کرده است.

به صورتی خیلی کلی و ساده می توان در خصوص تعریف کارآفرینی در مدرسه گفت: "ایجاد شایستگی های دانشی، ارزشی و مهارتی برای کارآفرینی".

بررسی ها نشان می دهد، در برنامه های درسی و فعالیت های فرهنگی دوره ابتدایی و متوسطه اول به این مقوله کمتر توجه شده است. برنامه ویژه مدرسه فرصت خوبی است تا

این موضوع مورد آموزش قرار گیرد. ویژگی ها و مهارت های آموزش کارآفرینی در گام نخست باید به صورت تلفیقی و درهم تنیده و با روشهای تدریس و فعالیت های فرهنگی مدرسه مورد عنایت قرار گیرند. لذا توجه به کارآفرینی در آموزش و پرورش و مدرسه ها اصولاً یک رویکرد است.

همه معلمان و مربیان باید با این موضوع آشنا شوند تا بتوانند روشهای تدریس و فعالیت های فرهنگی مدرسه را براساس این رویکرد بازطراحی کنند. در عین حال می توان از طریق فرصت برنامه ویژه مدرسه، به طور مستقیم مهارت های کارآفرینی را آموزش داد. (محبی، عظیم، ۱۳۹۹)

❖ اهداف واحد یادگیری:

پیامدهای واحد یادگیری باید کاملاً واضح و شفاف نوشته شود، یعنی در هر یک از پیامدها دقیقاً تصریح کند که چه عملکردی را از دانش آموزان انتظار دارد. در سنجش عملکردی توانایی های کسب شده از سوی دانش آموزان به تولید محصول یادگیری منجر می شود. (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵) اهداف مهم ترین مقوله در نظام تعلیم و تربیت هر کشور است. چون اهداف برابند مبانی و فلسفه تعلیم و تربیت هر کشور تلقی می شود. براساس مبانی نظری تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران هدف کلی تربیت، تکوین و تعالی هویت همه جانبه دانش آموزان بیان شده است تا دانش آموزان به مراتبی از حیات طیبه دست پیدا کنند. به عبارت دیگر رفتار و عملکرد شایسته هر دانش آموز درزندگی فردی، اجتماعی با معیار اسلامی را می توان حیات طیبه تعریف کرد. ابعاد این هدف کلی (هویت) همان ساحت های تعلیم و تربیت می باشد (در عین حال ابعاد حیات طیبه هم تلقی می شوند).

کلیات ابعاد این ساحت ها در مبانی نظری سند تحول تبیین شده است. اما با تحلیل آن ها اهداف دوره های تحصیلی از سوی شورای عالی آموزش و پرورش تصویب و به مدارس ابلاغ شده است. لذا لازم است همه همکاران این اهداف را مطالعه کنند تا بتوانند

تمام فعالیت های مدرسه را (تدریس، فعالیت های فرهنگی ...) را با این اهداف همسو کنند.

- نکته مهم این است که کلمه ساحت تربیتی لزوماً مورد نظر نیست بلکه شایستگی های مورد نظر در هر یک از ساحت های تربیتی، متناسب با هر یک از دوره های تحصیلی مهم است. به طور مثال در ساحت اقتصادی و حرفه ای در دوره اول ابتدایی شایستگی های زیر ذکر شده است (تقریباً در هر دوره تحصیلی ۱۸ شایستگی بیان شده است). درک مفاهیم اقتصادی (مصرف، درآمد، هزینه...) درک مهارت های ساده کارآفرینی و

- در سند برنامه درسی ملی الگوی هدف گذاری با ترکیب دو کلمه عناصر و عرصه بیان شده است. این بیان به نوعی تبیین رویکرد فطرت گرایی توحیدی است، چون در سند برنامه درسی ملی بیان می شود شکوفایی فطرت گرایی توحیدی از طریق درک و اصلاح موقعیت صورت می گیرد. به عبارت دیگر عناصر همان جلوه های فطرت تلقی می شود و عرصه یا موقعیت همان جلوه های هستی.

عناصر شامل پنج شایستگی تعقل، علم، ایمان، اخلاق و عمل است. و **عرصه** شامل خود، خدا، خلق و خلقت می باشد.

عناصر همان شایستگی های پایه است که متناسب با هر دوره تحصیلی آن باید در هدف نویسی مورد عنایت قرار گیرد. تا فرد بتواند موقعیت های طبیعی، اجتماعی، ماوراءطبیعی، را درک و اصلاح کند و

- با توجه به توضیحات فوق سؤال کلیدی آن است که در برنامه های درسی (کتاب های درسی و...) و طرح درس مربوط به تدریس و واحد یادگیری (مربوط به برنامه ویژه مدرسه) اهداف چگونه نوشته می شوند. آیا باید به همان شکل سنتی اهداف را در قالب شناختی، عاطفی و روانی حرکتی به صورت تفکیکی بنویسیم؟ به طور طبیعی این الگو با نکات فوق هماهنگی ندارد. بلکه اهداف باید مصداقی از شایستگی های ۵ گانه فوق باشد.

هر درس یا هر واحد یادگیری حداقل سه هدف دارد:

- علم (اطلاعات، آگاهی و ...)

- تفکر (مهارت های تفکر)

- عمل (مهارت عملی و ...)

و اخلاق و ایمان به صورت مستتر و درهم تنیده. با این سه هدف در فرایند اجرا (یعنی کلاس و مدرسه و خانواده و جامعه) بروز و ظهور می کند. در حالت ایده آل بهتر است اهداف به صورت عملکردی نوشته شود تا این پنج شایستگی به صورت درهم تنیده مورد عنایت قرار گیرد. چون شایستگی به مجموعه ترکیبی از صفات، توانمندی و مهارت اطلاق می شود که باید در عملکرد فرد منعکس شود (عملکرد در اینجا همان بروز مصادیقی از شایستگی ها در شخصیت فرد است که کم به شکل گیری هویت منجر می شود. برای روشن شدن فرایند هدف نویسی در برنامه ویژه مدرسه مثال زیر در خصوص موضوع آموزش کارآفرینی بیان می گردد:

۱- دوره اول ابتدایی:

دانش آموزان با کسب مهارت ساده کارآفرینی بتوانند با دست ورزی وسایل دوست داشتنی خود را تولید کنند (عروسک، کیف، کلاه و ...) و برای فروش آن در بازارچه مدرسه روش های ساده ارائه کنند.

۲- دوره دوم ابتدایی:

دانش آموزان با کسب مهارت های اصلی کارآفرینی بتوانند محصولاتی را تولید نمایند و با مدیریت بازارچه مدرسه مهارت های کسب و کار خود را تقویت کنند.

۳- دوره اول متوسطه:

دانش آموزان با خودشناسی، فرصت شناسی و تحلیل مشاغل طرح کسب و کار ساده ای را تهیه نمایند و با مدیریت بازارچه مدرسه و کسب و کار اینترنتی فرصت خرید و فروش آن را فراهم آورند.

۴- دوره دوم متوسطه:

دانش آموزان با تحلیل فرصت های شغلی در جامعه، کسب و کار تهیه خود را در عمل اجرایی نمایند.

❖ انتخاب یا تدوین محتوی:

محتوی عبارت است از مجموعه مفاهیم، مهارت ها و گرایش هایی که برنامه ریزان آنها را انتخاب و سازماندهی می کنند و با تعامل یاددهی-یادگیری معلم و شاگردان با یکدیگر محتوای روئیدنی تولید می شود (ملکی ۱۳۸۸)

▪ محتوی صرفا محتوای نوشتاری نیست بلکه انواع مختلفی دارد از جمله:

- ۱- نوشتاری
- ۲- عکس ها
- ۳- تصاویر
- ۴- فعالیت های یادگیری
- ۵- فعالیت های خارج از مدرسه (بازدیدها و گردش های علمی)

*اصول انتخاب محتوی:

▪ برای انتخاب محتوی باید از اصول زیر تبعیت کرد:

- ۱- اهمیت
- ۲- اعتبار
- ۳- علاقه فراگیرنده
- ۴- سودمندی
- ۵- قابلیت یادگیری
- ۶- انعطاف پذیری

در برنامه ویژه مدرسه (برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه) ضمن توجه به نکات فوق، تیم مدرسه تلاش می کند بر اساس اهداف هریک از عناوین واحد های یادگیری، محتوای مناسب را انتخاب یا تولید نمایند.

- محتوا بر اساس عناوین آموزشی برنامه ویژه مدرسه از طریق مؤسسات علمی معتبر و نهاد های محلی و... تهیه می شود. و پس از تأیید در شورای مدرسه استفاده می شود.

به طور مثال برای آموزش مهارت های پژوهشی از کتاب های چاپ انتشارات مدرسه می توان استفاده کرد. در عین حال از طریق همکاران مدرسه محتوی ، تولید شود. به طور مثال یکی از معلمان که پیشنهاد آموزش مهارت های پژوهشی را داده است ، می تواند محتوای مناسب را تدوین کند . تدوین و ارائه محتوی می تواند بر اساس همان انواع ذکر شده فوق باشد در عین حال می توان از فناوری های نوین هم بهره گرفت مانند:

- انیمیشن
- فیلم آموزشی
- بازیهای رایانه ای
- کتاب داستان
- ...

- اما نکته اساسی تدوین محتوی ، سازماندهی آن می باشد.

در شیوه سنتی سازماندهی محتوی ، موضوع محور است یعنی مطالب به صورت مکتوب تهیه می شود و مستقیماً موضوع مورد آموزش را برای دانش آموزان توضیح می دهد. و رویکرد نوین در ساماندهی محتوی ، رویکرد تلفیقی و مسئله محور (موقعیت محور است) است که تلاش می شود موضوع مورد آموزش در چند موضوع اساسی سازماندهی شود .

- برای تبیین این رویکرد مثالی در زمینه آموزش کارآفرینی ارائه می شود.

۱- دوره اول ابتدایی

برای دوره اول ابتدایی براساس اهداف ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی می توان مفاهیم و مهارت‌های یادگیری کارآفرینانه را به صورت زیر بیان کرد:

* مشاهده

* تخیل

* پرسشگری

* مصرف

* درآمد

و ...

- موضوعات مربوط به آموزش کارآفرینی در این دوره با توجه به ماهیت دوره ۳ ساله اول ابتدایی و در جهت آموزش و تربیت مهارت‌های فوق می توان دو موضوع اساسی زیر را انتخاب کرد:

- آشنایی با محیط مدرسه

- آشنایی با کسب و کار محله

• روش آموزش

بازی، داستان، فیلم آموزشی، دست ورزی و تولید محصول و ...
 معلم یا مربی کارآفرینی فرصت‌هایی را فراهم می آورد تا دانش آموزان کتابخانه، اتاق آزمایشگاه و ... را مشاهده کنند و پس از مشاهده به آنها فرصت می دهد پرسش‌های ذهنی خود را مطرح کنند. (پرسش‌های دانش آموزان، اساس تحول ذهنی آنهاست) سپس مربی کارآفرینی سؤالات بچه‌ها را هدایت می کند تا از قیمت کتابهای کتابخانه، قیمت وسایل آزمایشگاهی، و ... با هم گفت‌وگو کنند. و در ادامه از آنها درخواست می کند از بهترین مکان‌های مدرسه که برایشان لذت بخش تر بود، نقاشی کنند و ...
 در عین حال فرصت ایجاد می کند تا دانش آموزان با محله محل سکونت خود آشنا شوند.
 نام محله، خیابانهای اصلی، مغازه‌های نزدیک محل، نوع کسب و کار آنها و ...

بوفه مدرسه یک کسب و کار کامل است لذا فرصت فراهم می شود تا دانش آموزان با فرایند کسب و کار بوفه مدرسه آشنا شوند و براساس تقسیم کار در آن نقش آفرینی کنند و....

در عین حال فرصت فراهم می شود تا دانش آموزان با یکی از کسب و کارهای محله مورد علاقه خود مصاحبه کنند و گزارشی از فرایند کار آن تهیه کنند و به کلاس ارائه کنند و...
همانطور که ملاحظه می فرمائید این رویکرد علاوه بر موقعیت محور، تلفیقی هم می باشد. یعنی محتوا، مهارت و روش آموزش به صورت درهم تنیده به کار گرفته می شود.

۲- دوره دوم ابتدایی:

برای دوره دوم ابتدایی براساس اهداف ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی، می توان مفاهیم و مهارت های یادگیری کارآفرینانه را به صورت زیر بیان کرد:

* ایده سازی

* تیم سازی

* تحلیل

* خرید و فروش

* قیمت

* پس انداز

* تولید، توزیع

و...

• موضوعات مربوط به آموزش کارآفرینی در این دوره:

با توجه به ماهیت دوره سه ساله دوم ابتدایی و در جهت آموزش و تربیت مهارت های فوق می توان سه موضوع اساسی را انتخاب کرد:

* آشنایی با بانک (پایه چهارم)

* آشنایی با کسب و کار اینترنتی (پایه پنجم)

* آشنایی با بورس (پایه ششم)

• روش آموزش

داستان، بازی، فیلم آموزشی، دست ورزی و تولید محصول، بازدیدهای علمی، فعالیت های عملی، ایفای نقش، و ... (بر اساس سناریوی فوق اجرا خواهد شد)

۳- دوره اول متوسطه:

برای دوره اول متوسطه براساس اهداف ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای، می توان مفاهیم و مهارت های یادگیری کارآفرینانه را به صورت زیر بیان کرد.

جست و جوگری، خلاقیت، نوآوری، ارزیابی، قضاوت، تصمیم گیری، خود مدیریتی و انواع مهارت های کسب

و کار و مفاهیم اقتصادی.

• موضوع های مربوط به آموزش کارآفرینی در این دوره:

* کشف خود (شناخت استعداد، علایق و ...)

* کشف فرصت (آشنایی با مشاغل و ...)

* ایده کسب و کار (تبدیل فرصت های کسب و کار به ایده و طراحی کسب و کار)

• روش آموزش:

پروژه، فعالیت های عملی، دست ورزی های ساحت، تولید، بازدیدهای علمی، بازدید از

کارخانه ها، بازدید از هنرستان ها و ... (بر اساس سناریوی فوق اجرا خواهد شد)

۴. دوره دوم متوسطه:

برای دوره دوم متوسطه براساس اهداف ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای، می توان مفاهیم و مهارت های یادگیری کارآفرینانه را به صورت زیر بیان کرد.

*تعمیق مهارت های فوق

*تحلیل های اقتصادی

*مهارت بازاریابی

و...

- موضوعهای مربوط به آموزش کارآفرینی در این دوره:

*تدوین طرح و کسب کار

*راه اندازی کسب و کار

*مدیریت کسب و کار

- روش آموزش: (بر اساس سناریوی فوق اجرا خواهد شد)

* انجام پروژه واقعی کسب و کار

* حضور در مراکز واقعی کسب و کار

* انجام مراحل راه اندازی کسب و کار

* تدوین و ارائه طرح کسب و کار

و...

❖ آموزش (فرصت های یادگیری):

هدف و محتوی در برنامه درسی مهم است ، اما آموزش (تدریس) با نقش آفرینی معلمان و... از اهمیت خاصی برخوردار است. به ویژه در برنامه ویژه مدرسه ، آموزش با رویکرد پژوهش محور ، پروژه محور با رویکرد مشارکتی بسیار مهم است. در برنامه درسی تجویزی با توجه به حجم کتاب و محدودیت زمان شاید نتوان فرصت های یادگیری متنوع ایجاد کرد اما در برنامه ویژه مدرسه این زمینه فراهم است. لذا می توان ادعا کرد قلب برنامه ویژه مدرسه پس از نیازسنجی ، فرصت های یادگیری متنوع و جذاب می باشد.

آموزش دهنده فرصت را فراهم می آورد تا دانش آموزان به صورت تیمی از طریق موارد زیر به یادگیری اثر بخش برسند:

-مشاهده و تحلیل فیلم

-انجام فعالیت

-دست ورزی ، تولید، ساخت

- بازی

-بازدید علمی

-ایفای نقش

-انجام پروژه

-انجام پژوهش

-تکالیف عملکردی

-برگزاری سمینار

-برگزاری نمایشگاه و...

با توجه به نکات فوق رویکرد اساسی آموزش در برنامه ویژه مدرسه فعالیت محور است. دانش آموزان به صورت تیمی ، با مسئله های واقعی زندگی روبرو می شوند و تلاش می کنند مسئله را تحلیل و به درک ، کشف و خلق و... آن اقدام کنند در این فرایند سنجش در خدمت یادگیری است و به صورت در هم تنیده با تدریس مدیریت می شود. در این فرایند ایجاد فرصت خود ارزیابی بسیار مهم است .

در برنامه درسی ملی برای تدریس و ارزشیابی اصولی ذکر شده است که می‌تواند در این بخش مورد عنایت قرار گیرد (ص ۴۱، ص ۴۰).

۱- انگیزه دانش‌آموزان را از طریق کاوشگری در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ‌هایی در باره پدیده‌ها، وقایع و روابط آنها شکوفا و تقویت کند.

۲- امکان درک، تفسیر پدیده‌ها، وقایع و روابط را در موقعیت‌های واقعی زندگی تدارک ببینند.

۳- فرصت لازم را برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری جدید را به صورت یکپارچه و معنادار جهت تحقق ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌ها فراهم کنند.

۴- زمینه ساختن علم و معرفت را فراهم نماید.

۵- زمینه تولید علم از سوی دانش‌آموزان را با تأکید بر مشارکت آنان تدارک ببینند.

۶- زمینه تعامل مؤثر دانش‌آموزان را با معلم، همسالان و انواع محیط‌های یادگیری فراهم کند.

۷- زمینه بهره‌گیری از فناوری‌های نوین فراهم شود.

۸- با ارائه شواهد متنوع و کافی، امکان قضاوت در خصوص سطح دستیابی دانش‌آموزان به اهداف (واحد یادگیری) تعیین نماید.

۹- با تأکید بر خودآگاهی، خودارزیابی و تصمیم‌گیری از سوی دانش‌آموزان، چگونگی جبران، رفع کاستی‌ها و دستیابی به سطوح بالاتر از شایستگی در هر یک از حوزه‌های یادگیری را تدارک ببینند.

۱۰- با تأکید بر کار گروهی و فعالیت‌های جمعی و روش حل مسئله وجه رقابت‌زایی یا رقابت‌جویی را به حداقل برساند.

۱۱- با تأکید بر بهره‌گیری از تکالیف عملکردی، میزان دستیابی به شایستگی‌ها سنجش شود.

۱۲- به صورت مستمر تصویری روشن و همه‌جانبه از موقعیت کنونی دانش‌آموز، فاصله او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای وی ارائه کنند.

ملکی (۱۳۹۹) ویژگی های تدریس مؤثر را به صورتی بیان کرده است که می تواند در اجرای برنامه ویژه مدرسه مورد عنایت قرار گیرد:

- تحقیق محوری
- گروه محوری
- کرامت بانی
- ترکیبی بودن
- سازگاری با واقعیت
- توازن و تعادل
- رشد همه جانبه
- فعال سازی متربی
- بسیج همه قوا
- خدا محوری
- برهان محوری
- ارزش محوری
- توأم بودن تعلیم و تربیت

❖ سنجش و ارزشیابی:

ارزشیابی یکی از عناصر برنامه درسی است و اصالت و مقبولیت برنامه از طریق این عنصر حفظ می‌شود. ارزشیابی در برنامه ریزی درسی تجویزی، در قالب کتاب راهنمای تدریس و یا در متن دروس تا حدودی برای معلمان روشن است. در عین حال، نحوه به کارگیری آن در کلاس، با میزان شناخت معلمان از رویکرد این عنصر در ارتباط است. در حالت فعلی یکی از مهمترین چالش‌های نظام آموزش و پرورش، نوع مواجهه معلمان و کارشناسان با این موضوع است.

در برنامه ریزی درسی غیرتجویزی (بوم) نیز این عنصر در کنار عناصر دیگر مهم تلقی می‌شود. لذا تبیین رویکرد و راهبردهای این موضوع در برنامه ویژه مدرسه، می‌تواند به بهسازی این رویکرد در مدارس کمک کنند.

● سنجش با کدام رویکرد؟

کلمه سنجش و ارزشیابی برای همه معلمان کلمه آشنایی است، اما آنچه به کارگیری این عنصر را در عمل متفاوت می‌کند نوع نگاه و رویکرد در این زمینه است. در یک برداشت کلی می‌توان اذعان داشت اساساً رویکرد اصلی سنجش و ارزشیابی، خودارزیابی است. یعنی فرایند فعالیت‌های کلاسی و پس از آن باید به گونه‌ای هدایت شود که دانش‌آموزان بتوانند به طور مستمر نحوه یادگیری خود را رصد و پایش کنند و زمینه یادگیری خود را تقویت نمایند.

بر اساس این رویکرد می‌توان ادعا کرد **سنجش:**

- با فرایند تدریس در هم تنیده است.

- نوعی روش تدریس است.

- بهترین روش خود یادگیری است.

- در خدمت یادگیری است.

- برای بهبود یادگیری است.

- اساساً فرایندی است.

- زمینه ساز درک و اصلاح موقعیت است.

- زمینه ساز، خودمدیریتی و خوداصلاحی است.

- زمینه ساز چگونه یاد گرفتن و چگونه سنجیدن است.
 - زمینه ساز نحوه به کارگیری مهارت های فراشناختی است.
 - زمینه ساز بروز سبک های یادگیری است.
 - زمینه ساز بازخورد مؤثر است.
 - زمینه ساز تشخیص تفاوت های فردی است.
 - زمینه ساز تشخیص و هدایت استعداد است.
 - زمینه ساز مشاهده عملکرد است.
 - زمینه ساز افزایش رغبت یادگیرنده است.
 - زمینه ساز قضاوت مبتنی بر شواهد بر اساس عملکرد است.
 - باید به چگونگی یادگیری فرد، چگونگی پیشرفت درک و نحوه عملکرد آنها بپردازد.
- این تلقی از سنجش با رویکرد فطرت گرایی توحیدی هم خوانی دارد. براساس نظریه فطرت گرایی توحیدی، دانش آموز خلاق، پرسشگر و خودارزیاب است. لذا در عمل با خودسنجی تلاش می کند تا به درک و اصلاح مناسب تر موقعیت بپردازد.

• سنجش با کدام اصول؟

- کل نگری: در سنجش و ارزشیابی، باید عملکرد یادگیرندگان به صورت یکپارچه، در موقعیت های مسئله محور و واقعی مورد توجه قرار گیرد.
- یادگیرنده محور: سنجش و ارزشیابی باید نقش یادگیرنده در فرایند خودسنجی/سنجش های همسالان برای درک و بهبود موقعیت را مورد تأکید قرار دهد.
- بازخورد سازنده: در سنجش و ارزشیابی فرایند محور بازخوردها در فرایند کسب شایستگی مبتنی بر داده های کیفی است.
- تعامل و مشارکت: به منظور تدارک زمینه های لازم برای کسب استقلال و پذیرش مسئولیت فردی و درک و اصلاح موقعیت در ارزشیابی باید بر مشارکت یادگیرنده، خانواده و معلمان تأکید شود. (خوش خلق، ایرج، ۱۳۹۷)

• سنجش با کدام راهبرد؟

- در برنامه ویژه مدرسه ضمن تأکید بر رویکرد و اصول فوق باید برای هر یک از موضوعات آموزش در چارچوب برنامه ویژه مدرسه، انتظار و فرایند سنجش مشخص گردد. لذا در این ارتباط راهبردهای زیر مورد عنایت خواهد بود:
- تلفیق سنجش با فرایند آموزش با تأکید بر دست ورزی، ساحت و تولید، کارآفرینی و ...
- فرصت ارائه عملکرد در کلاس، سمینار، جشنواره، نمایشگاه و بازارچه مدرسه با تأکید بر تهیه پروژه، ماکت، مدل، پژوهش، تکالیف نوشتاری، تکالیف خواندنی، داستان، شعر، فیلم، انیمیشن، بازیهای رایانه ای، نقاشی، ایفای نقش، روایت نگاری، و ...
- ارائه یکی از مهمترین راهبردهای سنجش تلقی می شود. در برنامه ویژه مدرسه باید فرصت فراهم شود تا دانش آموزان عملکرد خود را به روشهای مختلف (فوق) ارائه دهند. ارائه دادن هم فرصتی است برای مشاهده و سنجش یادگیری و هم فرصتی است برای یادگیری مؤثر.

- با توجه به نکات فوق می توان بیان داشت که سنجش و ارزشیابی آخرین ایستگاه در فعالیت های یادگیری دانش آموزان تلقی نمی شود بلکه سنجش قبل، حین و پس از یادگیری، با کل فعالیت ها درهم تنیده است. لذا برنامه ویژه مدرسه فرصت خوبی است تا این رویکرد نهادینه شود.

د- نظارت و ارزشیابی:

پس از تدوین برنامه ویژه مدرسه در چهارچوب واحد یادگیری، زمینه اجرای آن، پس از تصویب شورای مدرسه، از طریق همکاران مدرسه، اولیاء و نهاد های محلی فراهم می شود. نظارت بر اجرا و خود ارزیابی مستمر از نحوه اجرا کمک می کند تا با اصلاحات به موقع، فعالیت ها به شکل اثر بخش اجرا شوند. انجمن اولیاء و مربیان مدرسه می توانند در فرایند نظارت به تیم مدرسه کمک کند. در پایان هر سال مدارس با خود ارزیابی پایانی و رفع اشکالات، زمینه طراحی و تدوین و اجرای برنامه را برای سال بعد مهیا می سازند. در این فرایند عملاً پاسخگوی ارزیابان بیرونی هم هستند.

مبنای ارزیابی بیرونی (ارزیابان از سوی مناطق، استان و ستاد) خود اظهاری و خود ارزیابی، اشاعه والگوسازی و آسیب شناسی می باشد.

منابع:

- احمدی و همکاران. (۱۳۹۷)، راهنمای برنامه ویژه مدرسه (بوم).
- باقری، خسرو. (۱۳۸۹)، فلسفه تعلیم و تربیت در نظام جمهوری اسلامی.
- خوش خلق، ایرج. (۱۳۹۷)، آیین نامه ارزشیابی شایستگی محور (پیش نویس شورای عالی آموزش و پرورش).
- سرکار آرانی، محمدرضا. (۱۳۹۸)، درس پژوهی، انتشارات مرآت.
- سند برنامه درسی ملی. (۱۳۹۱)، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۶۵)، جامعه تعلیم و تربیت
- علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۹)، نظریه اسلامی تعلیم و تربیت، انتشارات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- مبانی نظری سند تحول بنیادین - زیرنظام برنامه درسی. (۱۳۹۰)، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- لوی، الف، ترجمه مشایخ، فریده. (۱۳۶۷)، برنامه ریزی درسی در مدارس
- محبی، عظیم. (۱۳۹۹)، مجله رشد معلم، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.
- ملکی، حسن. (۱۳۷۹)، مبانی برنامه ریزی درسی آموزش متوسطه.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۸)، مقدمات برنامه ریزی درسی
- ملکی، حسن. (۱۳۹۹)، نظریه فطرت گرایی توحیدی در برنامه درسی.